

رت چین اراده کرده  
مملکت خود تغییر دهد  
رسمه بتربیه جدید  
این بیاموزند

خط و حروفات چینی بسیار  
حروفات فارسی براتب عبرالفهم  
که حروفات علائمی است که برای  
و خیالات و ادارات بکار برده میشود  
فایده این مدارسیل فهمانیدن مقاصد و مافی الضمیر را  
سهل میسازد البته بهتر است این مطلب را چینیا فهمیدند و  
الف بانی که از چندین قرن در مملکت پسر آسمان معمول  
بود تغییر داده این اوقات اطفال آنها موافق سبک  
جدید در مدت ششماه بخوبی میخوانند و می نویسند  
در صورتی که سبک قدیم چندین سال وقت لازم داشت  
تا بتوانند از عهدۀ خواندن و نوشتن برآیند

اطلاع

جهی از مربوطین بالنسبه و خطوط ملل متمدنه  
خارجه را عقیده این است که خط مانیز محتاج باصلاح  
و تغییر صورت است تا برای مبتدی و اطفال نوآموزکار  
خواندن و نوشتن و پیشرفت در علوم و فنون که مفاتیح  
و ابواب همه نوع ترقیات است آسان شود

ماهم تا یکدرجه در این قول عقیده شرکت و  
همراهی داریم اما نه آنکه بطور مطلق این مطلب را مسلم  
و مصدق داریم چنانکه بعضی از اجانب میگویند علت  
توقف و تاخر ما از علوم و فنون و جمله ترقیات مادی  
و معنوی فقط خط ماست که چون برای مبتدی آموختن  
آن تسر دارد و وحشی است طفل هیچ رغبت بخواندن  
و نوشتن نمی کند و پس از داخل شدن در خط تعلم  
و تحصیل هم باید وقت خود را با رنجی تمام تا مدتی  
مبادی مصروف کار میان که خواندن و نوشتن خط  
فارسی است نموده از قایات که علوم طالبه و فنون  
مفیده و نتایج حسنه دانش است باز ماند و پس از  
فرا گرفتن و ممارست در خواندن هم باز بواسطه تشاکل  
و تشابه حروف معلوم نبودن حرکات کلمات از سهو  
و خطا و اشتباه مصون نباشد این سخن بکلی مقرون  
بصحت و صواب و قوی مسلم و بی جواب نیست  
بلکه در خور تحقیق و بیان است و چون ما سابقاً  
رد این سخن را در ذیل اطلاع شرحی وافی در باب  
حروف تهجی نوشته و هم علت عمده و جهت اصلی  
عدم پیشرفت و انتشار علوم و فنون متنوعه را از  
چند قرن پیش تاکنون در حوزه این مملکت بیان کرده

و راه اصلاح آنرا هم بفهم قاصر خویش باز نموده ایم  
در اینجا حاجت تجدید ذکر نیست هر کس بخواهد  
رجوع بآن نمره ها نماید همینقدر اجمالاً مینکاریم برای  
تسهیل امر قرائت و تعلم طفل مبتدی تصرف و تغییری  
در صورت خط و حروف ما لازم نیست بلکه به فی  
الجمله اصلاحی میتوان اینکار را تسهل نمود که هم نو  
آموز برای آموختن حروف و صورت خط در رنج  
و زحمت نبوده و تضییع وقت هنرگز ننموده و هم رفع  
اشتباه و خطا از قاری خط بشود اگر چه در این  
الف باهای جدیدی که بعضی دانشمندان و آموزکاران  
برای این مکاتب و مدارس جدیدۀ ملیه نوشته و ترتیب  
داده اند بیک اندازه تسهیل امر قرائت و اصلاح عیوب  
خط و رفع نواقص آن را کرده و خدمتی به ابناء  
وطن نموده اند ولی انشاء الله مالدی الاقتصار در باب  
اصلاح خط آنچه زیاده بر این بخاطر مان برسد در  
نمره های بعد خواهیم نکاشت

ژاپون

دولت ژاپون که آنزی میدانند پیش از چهل  
سال نیست قدم بجماده تمدن نهاده است امروز ترقی  
مادی و معنوی و ملی و مالی را بمقامی رسانیده که  
این دولت کوچک نخواستۀ از جمله دول عظیمه اولیه  
بشمار می آید ترقی دولت و ملت ژاپون نه فقط از  
حیثیت کثرت جمعیت و ثروت است بلکه از تمام جهات  
کوی سبقت از سایر دول و ملل ر بوده اوضاع  
تعلیمات و انتشار علوم و تکمیل صناعت و توسعه  
تجارت را بمقامی رسانیده که مایه تعجب تمام ملل عالم  
گردیده است در چند سال قبل چنانکه معلوم همه  
جهانیان شد دولت قریشوکت چین را چنان از آسمان  
نخوت و ضرور بزمین آورده مغلوب و مقهور ساخت  
که هنوز از خشکی آن شکست بیرون نیامده و بلکه  
از آن دچار انواع نکبات دیگر گردید و امروز  
ژاپونیا خود را در ما محتاج خویشی از تمام ملل  
مستغنی ساخته سفاین بخار و توپهای قلعه کوب آتشبار  
و سایر اسلحه تاریه و آلات و مهمات حربیه را تماماً  
خودشان میسازند بلکه بخارجه هم میفروشند دیگر  
کار طباعت و انتشار علوم و معارف بحدی ترقی نموده  
که خارج از حیز بیان است خصوصاً از زمانی که تغییر

در سبك و صورت خط داده آمد

چه قبل از آن خط ژاپونی شعبه از خطوط چینی و خواندن و نوشتن آن مانند خطوط چینی خیلی مشکل بود

از قراریکه معروف است سبب این ترقیات فوق العاده و پیشرفت ملت ژاپون در علم و صنعت بیشتر روزنامهجات آن مملکت بوده که هرروزه ملت را تشویق و ترغیب بترقی مینموده اند در ده سال قبل عدد روزنامه های ژاپون زیاده از صد نبود و فقط از این صد قسم روزنامه ده هزار نسخه طبع و منتشر میشد که بباره اخری عدد روزنامه خوانان در آن مملکت زیاده از ده یا پانزده هزار نفر نبود ولی امروز آنچه می گویند عدد روزنامه های ژاپون بهزار و پانصدنوع رسیده است که روزی هفتصد هزار نسخه از مجموع آنها بطبع میرسد و در بلاد آن مملکت تماماً بفروش میرسد پس امروز باید گفت عدد روزنامه خوانان ژاپون متجاوز از دو کروار نفرند

### آسیای جدید الوضع

جناب جلالت مآب اجل آقا میرزا علیخان سردار افخم وزیر نظمی و احتسابیه که از رجال دانشمند کافی این عصر هستند از نتایج علم و دانش مکسوی و هوش و کیاست موهوبی و بمن همت و اقدام پس از سه چهار سال صرف مبلغی مال و بذل فکر و خیال و مراقبت و تجریت در اعمال جر اتقال آسیائی اختراع نموده اند که بگردش و حرکات چرخ های مختلفه رحوی و دولابی که موجب خفت اقبال میشود بایک چهاربا (که اسب یا استر باشد) دوسه سنگ آسیای عظیم بسرعت آسیاهای آبی بگردش نموده روزی سی خروار آرد ممتاز از بکار بیرون می آورد و کارخانه این آسیای عظیم بدیع الوضع در طرف جنوبی شهر دارالخلافه باهره در محله قنات آباد قرب دروازه خان آباد در فضای باغ و بوستان وسیعی واقع و چندین هزار تومان بمصرف بنای آن رسیده تا در این ایام دایر گردیده است

روز جمعه نوزدهم ذی القعدة الحرام که افتتاح این آسیا میشد جناب جلالتآب اجل سردار افخم مجلس تهنیت مفصلی در آنجا منعقد و جمعی رجال محترمه

را از علماء و آقایان و شاهزادگان عظام و وزراء و امراء فخام و غیرهم دعوت نموده مشاهده آسیا موجب شکفتی و حیرت و تحسین و تعجب عموم ناظرین گردید و بسلامت وجود مسعود اقدس هایون شاهنشاهی خلدالله تعالی سلطانه و میمنت و شکون این بنا بککه از جمله آثار جليلة واقعه عهد هایون بشمار می آید صرف عصرانه و شربت و شیرینی شد این بنده (علی محمد بجزالدوله) نیز بشرف حضور در آن انجمن مشرف بود

محسنات این آسیا اولاً بملاحظه سلطای کم آبی که بسیاری از آسیابها از بکار می افتد - و ثانیاً از بابت صرفه در خرج و قلت کرایه و اجرت و سهولت حمل و قرب مکان که برای هر پرزنی امکان دارد بچمن و ده من کندم خود را بدوش خویش بدانجا برده آرد نباید گویا بر همه کس مکتوف و عیان و مستغنی از ذکر و بیان باشد

الحق اثر ثانی و بلکه ربع و خمسی از اهل مملکت ما امروز مانند این اشخاص بادانش عالی همت غیره مند بودند بزودی بارهای و امانده مابار میشد و کارها رو بترقی و اصلاح بیکذاشت و کم کم سررشته حرفت و صنعت و راه ثنا و ثروت بدست عامه اهل این مملکت می افتاد

### مکتوب از قفقاز

جنیدی بود میرزا داؤد خان وایس قونسله برای سرکشی بحال تبعه دولت متبوعه خود بطرف صوبه داغستان رهسپار شده بود و ضمناً وعده داده اند که از آنجا هم وجه اعانه برای مدرسه مبارکه سادات ذوی الاحترام جمع آوری نمایند

حق این است وجود مأمورین مانند میرزا داؤد خان برای تبعه دولت علیه غنیمت است باکمال درست کاری مطابق قانونچه تازه وزارت خارجه رفتار و رعایا را دما گوی هررو دولت شاهنشاه اصلاحیان پناه میکرداند خداوند عالم مأمورین و نمایندگان درست کار را در دستگاه دولت ما زیاد فرماید

خلاصه مبالغ بانصد و هفتاد شش منات و هفتاد و پنج قیک که جمع شده بود ارسال تفلیس شد که بشوسط جناب اجل ناظم الادب جنرل قونسله ارسال طهران

شود - امیدواریم بعدها ازین جا و داغستان زیاده بر این وجه اقامه جمع آوری شود - بر هر مسلمان واجب است که در تعلیم اطفال وطن خاصه اولاد سادات کرام خودداری ننماید چنانچه فرموده اند (امانت السادات من افضل المبادی) تا اولاد سادات تربیت یافته بعد از تحصیل علم دارای صنعت آخته راه معیشت پیدا نمایند - عدم دیانت متمولین در حق سادات و نبودن تربیت هر اولاد رسول مورث ذلت هموم سادات در دنیا و خسران ماها در آخرت گردیده

مثلاً سادات تبریز بضرر چوب و کتک پول میگیرند خاصه در پهلوی شهر که راه روسیه است پناه میبریم بخدا - تابل (رود آبی) در چند مقام دسته دسته شده قهوه خانهها را مسکن خود قرار داده شب و روز جلو آیند و روند را گرفته میگویند بده مال جدم را آقا زادگان فقیر را هم از غنی تمیز نمیدهند اگر کسی در اجابت خواهششان قدری نطلب نماید فوری از اسبش پیاده کرده با کمال بی احترامی و کتک کاری با ضرب سیلی و چوب آنچه خواسته میگیرند - انسان تاب نمی آورد لابد نسبت به آقا زادگان خود کلام خشق میگوید دین و دنیایش تباه میگردد فرضاً یکجا صبر کرد چون از دست یکدسته نجات یافت دچار دسته دیگر میشود -

چنانچه خود در حالیکه موسم حج هم گذشته بود از تبریز طازم روسیه شدم رفقا گفتند یکنفر سید همراه خود تابل (رود آبی) بردار حقیر ازین سخن رفقا تعجب کرده گفتم چه لازم است گفتند دیر گاهی است که از حالات این شهر شهر خبر نداری - در راه سیدها اذیتت خواهند کرد

بفرموده رفقا یکنفر از آقا زادگان خودم را که بسیار جلالت قدر داشت و حقیقت اولاد پیغمبر بود زحمت داده با خود سوار و طازم شدیم - داخل شهر می یک از سادات پیش آمده با کمال احترام خواهش سلامتی نمودند و حقیر هم بهر یک بفرار خود چیزی داده از شهر که قدری کناره شده دیدیم از قهوه خانه که خارج شهر است چند نفر سادات بیرون آمده جلو اسب ما را گرفته جناب آقا که همراه ما بود پیش رفته بلکه نکند با ما متعرض شوند گفتندش اگر میخواهی

سلامت باشی رجوع بکار ما نداشته باشی آقا هم چون دید جای کتک است کناره کشید - ما چیزی برایشان داده عرض نکردیم بخشید این وجه را گرفته عفو فرمائید - جواب گفتند که بروسیه رفته و پول جمع کرده مال جدم را از اولادش در بیخ میداری این مبلغ را بکدام یک بدم و حال آنکه بیشتر از ده نفرند ما ده تومان میخواهیم کفتم آقا اگر بشما بدم یکجا حساب نمایم نه خمس میغود نه تصدق وقتیکه آقایان این کلام را شنید دست بچوب کرده هجوم آوردند من عرض کردم آقا زادگان شماها هیچ حق ندارید بجه حق مرا میتوانی زد مگر ولایت حاکم ندارد رفیق بنده مرا کنار کشیده گفت فلانی تو چه خیال کرده ایجا روسیه نیست که شخص سلطنت بیکی از رطاع رطایبی خود حق یک سیلی زدن نداشته باشد اینها خود مرنند و حکم اینها با حضرت سلیمان است عاقبت لابد و لاعلاج بدادن وجهی که خواهش نموده بودند راضی شدیم - مشروط بر اینکه ما را آورده از سایر دستهای سادات خلاص نموده از پل عبور داده بولرا بگیرند آقا زادگان این شرط را قبول نموده ما را تادم پل آورده از سایرین نجات داده بولرا گرفتند از آنها خلاصی باقی آمدیم تا بمنزل (صوفیان) رسیدیم در آنجا جعی را دیدیم که طازم قهلیس اند از ما پرسیدند که کارتان با سادات یکجا کشید ماجرا را گفتیم ایشان گفتند که شما خوب خلاص شده اید - ما را کتک زده پول زیادی هم گرفتند و وقتی که مادر کیرودار کتک خوردن بودیم یک شش لوله مارا هم بردند - احدی در صدور رفع و دفع این عیب برزک بر نمیآید نه حکومت نه رئیس سادات این حال مخصوص یک نفره ضر نیست عمومی شده - حالا هر کس میخواهد طازم روسیه شود باید از رئیس سادات چند نفر سید یا از حکومت چند نفر فرانش با مبلغی پیش کش همراه بر دارد حکومت نمیگوید و رئیس سادات نمیبرد که اینگونه امور مورث افتشاس و عدم امنیت مملکت و رسوائی سادات عظام است حقیقت سخن ما از این آقا زادگان شنیدیم که از هیچ فرانش تا حال نشنیده و حیا از گفتن هم مینمایم - اگر در سایر جاها قطاع الطريق در کاروانسراهای غیر مسکون کاروانان را لخت میکنند در مملکت ما آنهم در سواد اعظم روز روشن

داخل شهر مردم را تحت مینابند

مقصود ازین عناوین لاطائف مذمت آقا زادگان خود که مایه رستگاری دنیا و آخرت ما هستند نمیباشد بلکه منظور آن است که اگر علمای اعلام و امرای عظام ایران که همه چشم شفاعت به اجداد طاهربین این بزرگواران دارند در هر شهر یک دوسمدرسه برای تعلیم و تربیت و پرورش اطفال سادات باز کرده این ذراری رسول را از سبابت از بعضی حرکات که فی الواقع توهین اسلام است باز دارند در عرض چند سال رفع این نقائص میگردند و این آقا زادگان ما همه صاحب کسب و کاری شوند و جمله سادات عظام مصداق این شعر ( چه از قومی یکی بی دالشی کرد )

( نه که را منزلت ماند نه مه را )

واقع نمیگردند - توجه علمای اعلام درین ماده خیلی لازم است خصوصاً سادات از علما که دارای قوت و نفوذ که باشند - عقیده من این است که اگر عامه طبیبان بیک هیئت سادقه برخوردند و بدانند وجوهات اطاعت که میدهند هبا و هدر و پرورش و تعلیم سادات عظام به نوع شایسته و ایق میشود قنبر و غنی حاکم و رعیت غریب و بومی در همراهی دریغ نخواهند نمود درین ماده ما من بعد تشریحات لازمه را خواهیم نمود

داستان شکفت - و سرگذشت پیمان

( از شماره ۲۳ )

رضاخان فرصت را فوت نکرده مشغول بمعالجهٔ مرضی شد - چون در قریهٔ پرکوش دوا فروش و غیره یافت نمیشد و محتاج بودند که از قصبهٔ سراب آنچه را لازم دارند بیاورند رضاخان بطاهر بیک اظهار نمود کسی را با او همراه نماید تا دواهاییکه جهةٔ مرضیه لازم و درکار است از قصبهٔ سراب به همراهی او بفرستد پس از آن شیشهٔ کوچکی از حبیب خود در آورده قطرهٔ چند از آن شیشه به یکطرفی ریخته و گفت که در هر دو ساعت مقداری از آنرا به نادره بیا شاماند و دوائی در آن شیشه بود که اکثر طبیبان محض احتیاط در نزد خود نگاه میدارند اسم دوا (اکسترا دومورفین) است که جهةٔ خوردن خواب می آورد و منظور طبیب از نمودن علاج مذکور این بود تا زمان رسیدن دواها

دخترکرا خواب برآید - رضاخان چون حرکت دادن مرضیه را در آن دم مخالف فن طب دید قرار داد آنشب را در خانهٔ صمد خان بماند و گفت باید فردا کودکرا به قصبه بیاورند تا در خانهٔ خود بمعالجهٔ او به پردازد و مشارالیه در صد یک امید به بهبودی جهةٔ مرضیه داشت که از حالت جنونی خلاصی یابد - طبیب بعد از بیانات لازمه با رئیس خدا حافظ کرده بیرون رفت و با دو نفر آدم طاهر بیک که در ککوچه ایستاده منتظر او بودند هر سه سوار شده بطرف سراب متوجه شدند

رضاخان پس از خارج شدن قریه دید که ده نفر سوار در سر راه سراب ایستاده اند به فکر و خیال فرو رفت که این سوارها سر را چرا گرفته اند که در آن اثنا یک نفر از آدمهای نایب به رضاخان گفت قدری درنگ باید بعد تذکرهٔ از حبیب خود در آورده به رئیس و ده باشی آن ده نفر سواره داد رئیس پس از ملاحظهٔ تذکره روی خود را به رضاخان حکیم نموده و گفت تشریف به برید - طبیب بچارهٔ که قریب سه ساعت و نیم بود در قریهٔ پرکوش سیر چیزهای مسطور و مطالب مهم مینمود و سخنان معصای شنید از مشاهدهٔ ده نفر سوار و فقرهٔ تذکرهٔ بگلی مات و مهوت مانده پیش از آن سکوت کردن نتوانست از بی از آدمهای طاهر بیک پرسید

رفیق این چه حادثه است که من امروز در این قریه می بینم؟ که ابداً سر در نمی آورم تفصیلات را از شما خواهش مینمایم که بگوئید وقوعات چیست - مصطفی فرصت نداد که حکیم مطلب خود را تماماً ادا بکند بمشارالیه گفت که - جناب خان من میدانم که فقرهٔ تذکرهٔ عبور را و ایستادن این ده نفر سوار را که سر راه را گرفته اند از ما مشوال خواهی کرد آیا چنین نیست خوب فهمیده ام؟

بلی راست است همینطور است که فهمیدهٔ خان ایقدر بشما گفتن میتوانم که این ده نفر سوار بر حسب حکم رئیس ما (صمدخان) مأمورند که یک نفر از اهل ده را نگذارند بخارج برود مگر اینکه تذکرهٔ با مهر رئیس در دست داشته باشد چنانکه دیدید آیا سبب و باعث این امر چیست و چرا چنین

امری فاده است

بیشتر بعد از ملاحظه این مکتوب خواهید دانست این بگفت و مکتوبی سر بهر به رضا خان حکیم فاده .

البته فراموش نشده که صمد خان در حضور طیب طاهر بیک برادر زاده خود را خوانده و بگوش او حرفی چند گفته طاهر بیک هم فی الفور از اطاق خارج شده بعد از یک ربع ساعت عودت نمود .

همین کیفیت تذکره مرور و ایستادن قراولان را رئیس بطاهر بیک دستور العمل فاده بود - باری رضا خان مکتوب را از مصافی گرفته بنا نمود بخواند دید لکاشته اند

### مکتوب

جناب رضا خان نزدیک بچهار ساعت بود که در فرقه پرکوش بودید و اگر چه در این چند ساعت هر چه دیده و شنیدید همه بنظر شما معما آمد ولی عقرب از ماجرای مطلع خواهید شد ولی مطالبی چند هست که باید شما را از آن بیاگاهانم

اولا هنگام ورود سراب روز نامه در خصوص مجالساتی که به این دختر نمودید بنکارید -

ثانیا این مجلونه را سکه فردا بقبضه خواهم فرستاد در خانه خودتان قبول و معالجه نماید

سوم ماهامیکه به دفن و کفن مقتوله از جانب حکومت اذن حاصل شده از خانه خود بخارج تشریف نبرده و با کسی ملاقات نفرمائید . و دوستانه مرض میکنم هرگاه برخلاف توصیه ام حرکت فرمائید بوظیفه و مأموریت شما ضرر رسیدن سهل است احتمال تهلكه هم برای شما تواند بود دیگر خودتان بخارید امضا (رئیس - ص) (باقی دارد)

مقتوله یکی از فضلی نامدار

قابل توجه ارباب حل و عقد دولت علیه ایران

( شماره - ۵ )

و ابدان رعیت چنان حسن محکم دولت شوند که توب کروب و حیله های اروپ بر آن دولت اثر نکنند . و آن ملت و دولت ترقی کنند و صاحب سعادت نامه دنیا و آخرت شوند . این خصلت و سفت را رعیت دارا نمی شود مگر با زبان این و بموعظه حکیمانه حسن -

ای رجال صاحب تدبیر و غیرت هرگز قائل نشوید و همیشه دشمنان را در مقابل مشاهده کنید و هیچ گاه بخواب غفلت و ضرور نروید و اصلاح را از تن نکنید تا که بدشمنان ظفر یابید و بر دیگران افتخار کنید -

چون امپراطور اعظم روس خود را در جنگ (سیاستپول) کشت جسد او را در همیشه گذاشته و قابم داشتند که این سانحه فراموش لغود و جوش قصاص خواهی از دل روسیان کم نشود این بود که مجدد ما عثمائی جنگ کرد و غلبه نمود . هر کاغذ فتح که میرجید برای جسد پدر میخواند و خطاب کرده میگفت حالا باسراحت بخواب که خون تورا گرفته و از دشمنان تو قصاص نمودم

عقین چنین گویند از روزیکه پروس با فرانسه جنگ کرده غلبه نمود و بیاریس خرابها رساند تا حال آن آثار را فرانسویان تعمیر نکرده که مبادا فراموش کنند و بعضی پروس از قلوبشان زایل شود - و بعضی غیرت مندان پارچه سیاهی بر بازو بسته خود را هزاردار جلوه میکنند و فرح بر ما نشاید تا دشمن غالب شویم و حق خود را بستانیم

این است همت کامل و معنی دنیاداری و طریق حفظ دولت و ملت - اگر ذاکرین و وعاظ از روی ترغیب بر رعیت وعظ کنند و قدر قدرت و عظمت سلطنت را بر ایمان بنمایند و بفهمانند که پادشاه ظلل الله و طای او نافع فیطان است بناچار بر قلوب رعایا اثر بخشد - خدمت بدولت بر جمیع طبقه رعایا واجب است و خلاف آن مصیان و فساد - و هلاک ملت و ضعف دولت بواسطه عدم رعایت باین حقوق است معرفت و محبت سلطان لازم است در ضمائر ملت قرار گیرد که اگر شخص هزار دینار او را انکار کنند جرات نماید که بسر پادشاه قسم یاد نماید و نیز بای در آن رساله باشد که وعاظ بحکام وعظ کنند و ذکر حکامیکه ظالم بوده اند و بجه حال در دنیا و آخرت معذب شدند و حکامیکه عدالت و رأفت پیشه بوده چه گونه بعزت رسیده اسم ایشان تا قیامت باقی مانده است با امثال این مقولات که خیلی بر اثر و با دلائل و امثال باشد بقوت و عطف و ناطقه و تدبیر و حکمت ذکر کنند اصلاح رعیت و حفظ ملت و

دولت بهتر میشود نسبت بهر و غلبه - چه مرعیت که پادشاه غفوره را بدوستی لغناسد و دشمن دارد هیچ عسکر آنملکت را نتواند حفظ نمود اما با وعظ و معرفت و طاعت و خدمت و محبت حفظ میتواند شد و با دین داری بدشمن غلبه میتوان نمود لهذا می بینیم هر دولتی که ذکر شان بلند و بر طالبان غالب گشته معروف بدیانت بوده - امپراطوران روس خودشان را خلیفه عیسی میدانند و بمقیده عامه نصرت دین مرام دارند و انگلیس قسم دیگر و سلاطین سابق نیز بدین قسم بوده اند

اگر پادشاه بطریق دیانت با رعایا رفتار نکند رعیت قصد جان پادشاه کنند و طالب هلاک او شود و مرگه بطریق دین داری رفتار و جلب قلوب رعیت کرد رعیت جان و مال را فدای پادشاه دانند و پادشاه بهر طرف رو آورد باب نصرت بروی آن باز شود اثر پادشاه دین دار و وزراء و حکام و مأمورین متدین باشند و بطریق وعظ و نصیحت و امر بمعروف و نهی از منکر مالک الرقاب رعایا شوند از آن قوی تر سلطنت در تصور نخواهد آمد

قال مع انه لا يزال الناس بخير يامرون الناس و تاهوا عن المنكر و تعاونوا على البر و التقوى فانهم يفعلوا ذلك نزعتم منهم برصكات و سلط بعضهم على بعض و لم يكن لهم ناصر في الارض و لا في السماء و لا بينهما) یعنی فرموده است پیغمبر صادق الوعد امین که مردم مادام در خیر اند که امر بمعروف میکنند و نهی از منکر و با یکدیگر یاری میکنند در عمل خیر و صلح اگر هر آینه چنین نکنند برکت از ایشان گرفته شود و یکی بدیگر مسلط شود و بر ایشان یاری کننده نیست نه در زمین و نه در آسمان و نه در بین زمین و آسمان - باز فرمود

الامر بالمعروف و نهی عن المنکر فریضة العظیمه و به یقام الفرائض و تأمن المذاهب و تحل به المكاسب و ترد المظالم و تسمر الارض و تنصف من عدوا او تستقیم الامر یعنی امر بمعروف و نهی از منکر یعنی مواظب حکمت حسنه واجب بزرگ میباشد که واجبات را عمل میشود بتامیه و راهها و طرفها امین میگردد و مکاسب حلال و دفع ظلم میشود و ملک تعمیر و بر

دشمن غلبه حاصل و امر مستقیم میگردد

باید قلوب و روح رعیت را رعیت گرد نه قلب بی روح انسان بی قلب و روح طورا که جانور است و ذرا و مدبرین باید ارواح را سر باز کنند و عقول رعیت را بفصاحت و بلاغت و صداقت و موعظه تسخیر نمایند و چنین کار کار حکماء مدبر است و چنین شخص مستحق رقاب ملت و رعیت و خدمت و اطاعت میباشد در معاونت چنین پادشاه افتخار و عزت و سعادت است ( باقی دارد )

### مکتوب از یکوهامای ژاپون

مسلمانان کوشش دارند که درین شهر بای تخت مسجدی بنا کنند ولی تا بحال فرمان بنای مسجد از دولت صادر نشده - رعایای دولت انگلیس بکجا است سی می نمایند که روز جشن تاجگذاری اعلیحضرت ادورد هفتم را تملیل قرار دهند بعضی از تجاران انگلیس مجلس شورا برای تجویز این امر نموده اند

جشن تاجگذاری بصدارت ( مستر بیکر ) رئیس ( هنگانگ شنکمانی بنک ) قرار یافته و بعضی از تجار محترم دولت ژاپون نیز در این مجلس شرکت نموده اند - بیست و پنج نفر ( اجزای مجلس ) قرار یافته - و نیز تجار اقوام و مذاهب دیگرا هند را که رعایای دولت بهیه انگلیسی میباشد دعوت شرکت در مجلس مذکور الفوق نموده اند - هنوز بریاست ( آسومل سیت ) و پارسیان بریاست ( بی - سی - ام بسانیان ) و مسلمانان بریاست ( عیسی بهائی ) رئیس اداره تجارتنی [ عیسی بهائی کپتی ] شرکت مجلس که در شنبه گذشته قرار یافته بود گردیدند - و چون ( عیسی بهائی صاحب ) ناخوش بودند ( مخبر ) را انتخاب نمودند که از طرف مسلمانان لطق بدهد بعد از این لطفها بیکه در مجلس مزبور داده شده است و لطفیکه خودشان داده من بعد خواهم نکاشت - برای اهراجات روز جشن تاجگذاری تا بحال قریب ( ۱۱۰۰۰ ) دالر که معادل ( ۲۲۵۰۰ ) روپیه است جمع شده - مجلس دیگر هفته آینده منعقد خواهد شد -

واقعات آن مجلس را بعد خواهم نوشت

محل عبرت است که ۲۲۰ میلیون مسلمانان این قدر همت نموده اند که راه آهن حجاز تکمیل شود



و (۲۰۰۰) نفر رعایای دولت انگریز در دولت دور دست ژاپون در میان سه روز (۱۶۰۰۰) رویه جمع آوری نمودند - این مطلب را نیز باید دانست که اگر مسلمانان هند و ایران و سایر نقاط اسلامی عبرت نه گیرند و راه صواب نجویند که دولت قوی شوکت اسلام در این زمانه مالک چند میل راه آهن شود مقام تأسف است (ای برادر تاکی پس بایم بیدار شوید و نفاق را دور کنید یک هل شده کار کنید که میدان دست سایرین رفته کوشش کنیم تا ما هم قدری از آن حاصل نمایم غفلت خیلی ما هارا عقب انداخته است

مکتوب افریقای جنوبی

(عطف بما سبق)

§ و این دویت و شصت هزار نفر قشون روی هم رفته روزی یک لیرای انگلیسی خرج خوراک و علوفه اسب و آذوقه دارند

صرف ملبوس و قورخانه و مواجب جراحین و حکما و سنکر بندی و خساراتیکه در حین محاربه وارد آمده علاوه بر این است - پس باین حساب فقط برای اکل و شرب قشون روزی شش میلیون بانصد هزار که عبارت از سیزده کروور فرنک باشد از خزینة دولت انگلیس طلای مسکوک خارج شده خرج عسکر نموده اند

بعلاوه - دویت و شصت هزار قشون اقلأ اگر روزی پنج شلنگ مواجب داشته باشند سه کروور فرنک میشود بعبارت آخری روزی هفت میلیون یا شانزده کروور فقط مواجب و آذوقه داده اند - این طمطراق و عساکر و مصارف کشتی و تزیید خیل و استر و تکمیل قورخانه و تجدید سلاح کم از روزی دو میلیون که عبارت از چهار کروور باشد نبوده - پس با بحساب روی هم رفته در این اواخر که بقدر یکسال است خرج دولت انگلیس در محاربه تزیید یافته و خسارت نمایان بمیان آمده بود روزی سی کروور فرنک مصارف نموده حق این است هیچ یک از دول معظمه فرنک چنین طاقت نداشته و نه میتوانستند این خساره را متحمل شوند با وجود این خساره و اینجه مصائب همه ساعت خیال رجال انگلستان در آسیا و افریقا و امریکا و اقیانوس مصروف

و نگران بود که مبادا یکی از همکنانش درین کرمی بازار جنگ توی سعادت از پیش برده قسمی از اقطار خسه را در تحت حمایت خود در آرند - اطمینان و استقامت را میباید ملاحظه کرد - چندی که انگلیس سرگرم محاربه بود احدی از همکنانش نتوانستند که در قطری از اقطار عالم دست تطاول درواز کنند با این همه در مسئله چین دولتیکه ازین محاربه با بهره تر ماند و منافع زیاد تر برد انگلیس و ژاپون بودند در ادعای فرانسه برای تری و قرض دولت عثمانی که هفت کشتی جنگی دولت مشارالیهها مقابل جزیره میتوان داشت دولتیکه حمایت از عثمانی نمود و دولت جمهوری فرانسه را مجبور کرد که کشتیهای خود را بر گرداند در دریای مدیترانه مطابق لنگرگاه تولون در خلیج لیئون دولت انگلیس و آلمان بودند در (فشودا) که لشکر فرانسه از خاک افریقا بیرون و تخلیه بلد نمودند بقوه انگلیس بود حال عنقریب است اتحادیکه ما دولت ژاپون بسته برای استیلای چین از طرف منچوری را به سبیری و عمالک روس پیدا کند

از آغاز جنگ قشون انگلیس که وارد خاک ترالسوال شدند سه قطعه را که اهمیت داشته تصرف کردند - دهنه پل و میان تپه ها و جلو دره ها را بدست آورده استحکامات مختصر بنا کردند بمقتضای اهمیت مقام از ابتداء سنه (۲۹۰۰) تاکنون فاصله هزار و بانصد میل انگیزی (که عبارت (۵۶۰۰) پنج هزار و ششصد کیلومتر یا قریب سیصد سی و پنج (۳۲۵) فرسخ ایرانی بوده باشد در هر میل فاصله یک قراولخانه مختصری بنا کرده و در هر قراولخانه برای استحکام می و دو نفر مأمور گذاشته مستحفظ محل خواهند بودند و در تمام این استحکامات و قراولخانه ها سیم تلگراف وصل نموده اند و هر کدام که در دهنه مقاره یا پل واقع شده بود یک توپ کوچک سوار کرده کشیک میکشیدند مرکز اصلی تلگرافخانه ها از (کیم برلای) به (بلشمبوت) و (وه دیت) وصل بود و تا به امروز تقریباً چهار هزار قراولخانه ساخته اند فاصله یک میل که عبارت (۱۶۰۹) متر بوده باشد (باقی داره)

بقیه تلکرافات

(یست و سوم)

§ [لارده ملز] یست و یکم ماه جاری حکومت ترانسوال را بقبضه خود آورد [روزانیز] قاضی القضاات اجزای شورای ملکی را حلف داد - و نام مأمورین مطابق ذیل است - [مستر دودسن] وزیر - [سر. آر. سالومان] وکیل درات - [سرکادفری لاکدن] وکیل رعایا - [مستر دکن] وزیر خزینہ - [مستر بوری برک] وزیر معادن -

§ امور راجه بمشق جہازات جنکی با تمام رسیده یست و یک فروند جہازات جنکی بزرک و یست و پنج فروند جہازات جنکی کوچک و هفده فروند [بکر] و سی و دو فروند [دستر آر] و شش فروند کشتیهای [تار پیدو] موجود اند شب قبل جشن تاجگذاری بر جہازات جراحیانی خواهد شد -

§ مخبر (طمس) از (پیکن) مینویسد که دولت روس از شرکت با دول متعابه درباره پیش نمودن شرایط جدید بدولت چین ابا نموده و سفیر خود را از (نی ان سین) باز طلیده است -

(یست و چهارم جون)

§ بسبب ناخوشی و علالت اعلیحضرت پادشاه انگلستان جشن تاجگذاری بدون تعیین وقت ملتوی شد - اعلیحضرت پادشاه مبتلای مرض (بریتای قلبییس) میباشد - روز شبہ حالت ایشان حسب دلخواه بود و امید است که بعد از صحت اعلیحضرت رسوم جشن تاجگذاری بعمل آید ولی روز دوشنبه باز درد شدت نمود و عمل جراحی لازم آمد -

§ اعلان رسمی که جزئیات مرض را تشریح مینماید بدست خط (لارده ملز) و (سر تامس استمه) و (سر تامس بارلو) و (سوفران سیس لکنک) و (سرفر دریاه بریوز) اشاعت یافته است

§ اعلانیکه همین وقت اشاعه شده ظاهر میدارد که عمل جراحی بعمل آمده دنیل بزرک را شکافته اند اعلیحضرت صدمات عمل جراحی را نیکو برداشتموده و حالتشان خوب است

§ امروز عمل جراحی ساعت دو بعد از ظهر مقرر شد از پیشگاه اعلیحضرت اعلانی بذریعہ (ارل مارشل)

صادر شده و در آن اعلان افسوس خود را درباره ملتوی داشتن جشن تاجگذاری اظهار نموده اند

§ جشن تاجگذاری در لندن موقوف شد ولی خواهش اعلیحضرت بر اینست که در بلاد دیگر جشن و در لندن طعام دادن بمساکین ملتوی نشود با کمال حسرت و حیرت جمله تماشاگران خبر علالت اعلیحضرت و موقوفی جشن تاجگذاری را اسفا کردند توخ قرصه دولتی بسرعت کم شده

§ جمیع مردم درباره مرض پادشاه از قرینة کلام اصل مطلب را دریافتند

§ یکی از دعاة امریکا از چین تلکرافاً خبر میدهد که در شهر (چنگتو) در نواح (زچوان) جوی از بکسران کلیسایی را خراب نموده و ده نفر عیسویان جدید را بقتل رسانیده اند - جماعت باکسر در آن نواحی زیاد شده است

§ دیروز (بالون - ملین) را اول مرتبه در قصر (کرستل بالش) صعود و چند نوبت کردش داده سکانش درست کار کرد - و از امتحان نیکو درآمد

§ (بارون هبانی) سفیر ژاپون و (کونت مانسوکاتا) سفیر دولت (کوریا) و (لارده ککراس) وزیر مقیم (مصر) را از دارالعلوم (اکسفرده) خطاب اعزازی (داکتراف لا - حکیم قانونی) اعطا شده است

§ مقدمات جشن تاجگذاری در کلیسای (وست منسترای) شد و تماشای خوبی داشت تمام امرا و خواتین مجلس بلباس درباری بودند و کلامهای فاخر بر سر داشتند (سراس - سی - بان سان بی - فن) شیبه به اعلیحضرت پادشاه انگلستان شده بود

§ در مهمانی (هوتل سبسل) در ولیمہ جشن تاجگذاری از جانب جزیره سیلان (سروست ریجوی) حاکم آنجا صدر انجمن بود و در نطق خود اظهار داشت که از باشندگان جزیره سیلان اهالی هیچ یک از متصرفات خبرخواه تولدت بدولت انگلیسیه نمیشاند (سرفر دریاه ساندرز) بیان نمود که لازماست وزیر مالیه را القا نمود که از اضافه نمودن عوارض بر اهل حرفه این جزیره اجتناب نماید

§ (سروست ریجوی) در جواب گفت که او امید



اجزاء دارالشورا مادامیکه لطق داده میشد سرهای  
خرد را برهنه نموده بودند

بیست و پنجم - جون

§ ساعت یازده مسائی خبر رسیده سکه حالت  
اعلیحضرت بهتر است خوفیکه از بعد حمل جویس  
ساری بود رفع کردید - قوای جسمانی زایل نموده  
و تخفیف در درد هست و اندک طعام هم تناول  
نموده اند - بعد از چند روز اعلیحضرت از خطر  
این مرض فراغت حاصل خواهند نمود

§ امروز ساعت دوازده نیم از قصر [ بارکنهم  
پالس ] خبر رسید سکه اعلیحضرت خواب خوبی  
نمودند - قوای جسمانی شان زایل نموده و هیچ  
علامت بدی ظاهرا نمودار نیست که باعث تشویش باشد  
§ خبر رسیده که اعلیحضرت در اول شب بناب  
و بخواب بود ولی بعد از ساعت یک فدری خواب  
نمودند - امروز صبح درد بکلی نیست و هیچ علامت  
خونی روی نموده است

§ حقیقت امر را بنظر داشته میتوان گفت که  
مرض اعلیحضرت رو بصحت است -

§ امرای هند و بقایای تاشان که از ممالک دور  
دست برای شرکت در جشن تاجگذاری آمده چندی  
در انگلستان خواهند ماند -

§ شاهزاده [ کاتسو ] سفیر فوق العاده دولت (کوریا)  
در بین یک هفته روانه (پاریس) خواهد شد -

§ خبریکه فی الحال شایع شده ظاهر میدارد که  
اعلیحضرت با سایش و آرامی تمام روز را گذرانیدند -  
قوای جسمانی ایشان خوب است و هیچگونه علامتی  
که باعث تشویش باشد نیست -

( بیست و ششم جون )

§ ( بری بیس مدیکل جرنل ) که روز نامه طبی  
انگلیس است مینویسد که دئبل اعلیحضرت بسبب ورم  
نموده بوده نه اینکه از آغاز مرض مهلك بوده

§ ( سر ویلیام هارکورت ) را خطاب ( وای کونت )  
از جانب دولت انگلیس اعطا شد مشارالیه قبول نه نمود  
و او ترجیح داده است که یکی از اجزای دارالشورای  
ملی باشد

§ اهالی امید بهبودی اعلیحضرت را از معالجه بهترین

قوی در بلو ترقی آبنده جزیره سیلان دارد - ایام  
حکومت خود را فرخنده ایام خوانده و گفت تا دایست  
باور نمانم که ترقی همیشه بیک منوال جاری خواهد  
بود - ولی باید دانست که در محاسلی موجوده علامت  
کی نیست مشارالیه کلام را درباره فواید تجارت جانی  
طول داد و تحریک نمود سکه از برای فروش جانی  
بازارهای نو و مقامات جدید دستیاب نمایند و اگر  
صدمه بزرگ جانی و تجارت برسد سیلان لطمه عظیم  
خواهد خورد ولی نمیتوان گفت بک دفعه از یاد  
خواهد آمد

§ دیشب اعلیحضرت پادشاه و علیا حضرت ملکه  
در قصر ( بارکنهم پالس ) شاهزادگان و امرا را  
پذیرائی و مهمانی نمودند

§ (لارڈ لیستر) حکیم باشی پادشاه انگلستان بعد از اذاعه  
خبر علالت اعلیحضرت مراجعت بخانه خود نمود -  
قبیس بزرگ (وینچستر) که بمناسبت وقوع این حادثه  
عظیبه حاضر خدمت پادشاه شده بود نیز بخانه خود  
عودت نمود - دو نفر طبیب ( سر تامس بارلو ) و  
(سرفردیک تریوز) تمام شب در خدمت پادشاه حاضر  
بودند - متوالی تلگراف از اهالی مضافات انگلستان و  
متصرفات دولت انگلیس متأسفانه میرسد - مهمانان  
خارجیه که از برای شرکت در جشن تاجگذاری  
آمده بودند از فردا آغاز مراجعت باوطنان خود  
خواهند نمود

§ اخباریکه امروز ساعت شش و چهل دقیقه  
صبحی شایع شده ظاهر میدارد که حالت اعلیحضرت  
خوب است و بسبب عمل جراحی تخفیف در تکالیف  
ایشان شده ( لارڈ سالسبری ) در دارالشورای دواقی  
در ضمن اطاق خود بیان نمود که ماها فقط میتوانیم  
امید بهبودی بداریم و دعای صحت مندی اعلیحضرت  
را بخشایم و خود را به آگاهی خبر صحت ایشان قسلی  
دهیم که جراحان حسب دلخواه یعرفتم صحت مریض  
را مد نظر دارند -

§ (ستر بالفورد) در دارالشورای ملی اظهار داشته  
که مجالس شورا ملتوی خواهد شد تا تشویش طامه  
مبدل بخوف و هراس نگردد - تغییری درباره تعطیل  
نمیشود ولی دیدن سان بهازای جنی ملتوی کردید -

جراحان انگلستان دارند ولی مردم مشوش و دماگویان در دواب دارالاماره کشیک میکشیدند

§ میهمانان اجلی بعد از دریافت خبر صحیح درباره عمل جراحی روانه اوطان خویش گردیدند

§ در صورت همت اعلیحضرت نیز جشن تاجگذاری تا چند ماه مقوی خواهد ماند

( بیست و هفتم جون )

§ خبریکه امروز ساعت یازده صبحی زایع شده

ظواهر میدارد که اعلیحضرت شب را با استراحت تمام صبح نموده اشتهايشان قدری بیشتر است و غذا

باحقیاط داده میشود زخم نیز رو باندماله است بهر کیف اینوقت مرض اعلیحضرت چندان تشویش ناک نیباشد

§ ( انریک ویلم لیدر دل ) مدیر سابق ( بنک انگلستان ) فوت گردید

§ در آخرین خبری که امروز شایع شده ظاهر میدارد که مرض اعلیحضرت رو بصحت است و آثاری

مورث تشویش باقد رخ نه نموده اعلیحضرت می خوابند و گفتگو مینمایند و اکثر با علیا حضرت

ملکه و شاهزاده ولیمهد و زوجة شان ملاقات و گفتگو مینمایند اطبا انکار نموده اند که درباره مرض

اعلیحضرت استشارة خاص نموده استحصاال مدد نمایند دریکهفته داکتران بطور یقین درباره همت اعلیحضرت

رای فیصله خواهند داد -

§ شاهزاده ولیمهد انگلستان هشتم جولائی در قصر (سلت جس پارلس ) از جانب پادشاه عمال متصرفات را

دعوت نموده اند

§ امروز از بندر (درین - افریقای جنوبی ) سه هزار نفر قشون (آستریلیا ) و [ کیندا ] سوار شده

مراجعت باوطنان خود نمودند - و [ ۲۰۰۰ ] نفر قشون [ سکیندا ] در دوم ماه جولائی مراجعت خواهند نمود -

( بیست و هفتم جون )

§ مرض اعلیحضرت پادشاه رو بصحت است پادشاهها از بستر بر آرام کرسی جای داده اند - دیروز

اعلیحضرت بامپراطور آلمان بمنوبت خود عاارا اظهار داشته اند که قیصر از راه مهربانی اعلیحضرت معظم

را امیرالبحر دولت آلمان مقرر نموده اند - اعلیحضرت

(امپراطور آلمان) این خبر را بافسران اداره بحری در (کیل) تلگراف نمودند روزنامه های آلمان سوای چند

اخبار درباره مرض اعلیحضرت خاموشی گردیدند - تلگرافات تازه ظاهر میدارند که اعلیحضرت به آسایش

و استراحت تمام روز را بشام آوردند -

§ معاهده در ( برلن ) دستخط شده مدتی اتحاد ثلاثه را زیاد نموده اند

§ روز سه غلبه شاهزاده ولیمهد انگلستان سان قشون جمن تاجگذاری که ابواجمی ( دیوک آف کنات ) بود

در سرباز خانه ( هارس کاروز ) دیدند

§ شاهزاده ( هنری ) از آلمان و شاهزاده محمد علی از مصر مراجعت باوطنان خود نمودند

§ والا حضرت خدیو مصر در اسلامبول رونق افروزند

§ ( سر جیمس بلت ریچی ) و ( سر فرنسیس اسکات ) این جهان قانی را وداع گفتند

﴿ نقط ﴾

§ نسبت به هفته گذشته از عهده نقط زدگان ( ۱۷۹۷۰ ) کاست است منجمه آن در وسط هند

( ۱۱ ) هزار در ممالک خالصه انگلیس ( ۵۰۰۰ )

﴿ مصارف جنگ افریقای جنوبی ﴾

§ در پارلمان انگلستان فردی که در آن اخراجات جنگ تا اواخر مارچ ماه گذشته بود پیش شده در

جنگ چین هفت صد هزار لیرا و در جنگ جنوب افریقا ( ۲۲۲ ) میلیون و نهصد و هفتاد و یک هزار

لیرا صرف شده است یعنی زاید از ( ۳ ) ارب و ( ۳۳۰ ) میلیون روییه و هنوز معلوم نیست که برای تعمیر و

آراستگی ملک چه اندازه مصارف ضرورت شود - آنچه از تواریخ ظاهر میشود تا کنون در هیچ

جنگی باین اندازه خرج نشده از معدنیات جنوب افریقا این مبلغ را دولت انگلیس بیرون نتواند آورد

و این بار حکمران بردوش دولت انگلیس تا دیر زمانی خواهد ماند

﴿ بلوا و بغاوت ﴾

§ کتر وقتی دیده شده که در یک فرمان جنگ های مختلف و بغاوت و فساد های متعدد چنانچه در این

زمان در پیش است شده باشد از یکطرف دهقانان

❖ اخبارات داخله ❖

§ طبیب‌های لاهور را حکم شده است سند لیالت خود را از (سولسرجن - داکتر بزرگ) حاصل نمایند  
 § مهاراجه کوالیار تقریر شایسته در (رائل آبشیاکس سوسای) نموده است  
 § در امتحان دارالعلوم پنجاب در درجه (انترس) (۱۲۳۲) طلاب کامیاب شده درجه اول (۱۶۱) درجه دوم (۷۰۵) و در درجه سوم (۳۶۶)

§ افواه است بعضی از قشونیکه از جنوب افریقا عودت نمایند بهندوستان خواهند آمد

❖ کلکته ❖

§ از خبر وحشت اثرعلالت اعلیحضرت (ادورد هفتم) اهالی کلکته متوحش و پریشان گشته جماعت تجار که نظر بانقصاد جشن تاجگذاری دهلی اسباب و اقمشه نفیسه زیاد فرمایش داده بودند بسبب ملتوی شده جشن تا زمان غیرمحدود فسخ فرمایشات کردند - هر قوم و مذهب در معابد خود دعای صحت اعلیحضرت را نموده - جماعت (برالسننت) و (رومن کتلیک) در کلیسای خود دعای صحت نمودند - طایفه یهود نیز در معبد خود دعای مخصوصه صحت کردند - فرقه پارسیان در آتشکده دعای تهنیت تاجگذاری را مبدل بدعای صحت نمودند و این اخبارات به فرمانفرمای هند و حکومت محلیه رسید  
 § جماعت مسلمانان نیز در مساجد خود بعد از نماز مخصوصاً بعد از نماز جمعه توسط پیش امامان دعای صحت و سلامتی نمودند

§ اجانب انجمن مرتضوی کلکته نیز مجلس مخصوصی در حسینیه مرحوم حاجی سکر بلال محمدخان منعقد شده دعای صحت و سلامتی اعلیحضرت را نموده اظهار تأسفد خود را تلکرافاً فرمانفرمای هند ابلاغ کردند و جواب تشکر هم از فرمانفرما رسید

§ داکتر میرزا محمد معصوم نیز بسلامتی اعلیحضرت خیرات و دعوات نمود

§ بجهت منع گذاشتن خدمه‌های زنانه در (هوتل - مهمانخانه) های کلکته هر ضداشقی بحکومت فرستاده شده  
 § در راه (کالی کهای) هندوئی از تراموه برقی افتاده قطعه قطعه شده است

و طلاب علم برخلاف سلطنت بر خاصه و فوج و پلیس به آرامی آنها مشغول اند - از طرف دیگر در (بلژیک) مزدوران قسمی فتنه و فساد برپا نموده که توجه عامه بجانب آنان معطوف و خونریزی زیاد از اهالی وقتشون شده است - در صوبه (جیلی) چین نیز آتش بغاوت قسمی زبانه تشیده که فکرش لازمه به بیان نیست که در (پرتگیس) نیز نیران بغاوت بلند است

❖ طوفان ❖

§ در جانب شرق بنکال طوفان شدیدی شده در (زائ کنج) قصاتی زیاد رسانیده است (۶۷۲) خاندان از اثر این طوفان بی خانمان شده و (۸۸) تلف و (۳۳۸) محروح و (۴۲۳۴) خانه برباد و (۶۴) مواشی ضایع و تخمیناً (۲۰) هزار ششصد و هشتاد روپیه نقصان مالیاتی بحکومت وارد آمده است

❖ حریق ❖

§ در مدرسه (کونیس وود کالج) که واقع در ده میل (سونهپتن) است حریق واقع و مدرسه مزبور خاکستر شده معلم اول آن نیز سوخته است

§ در (جکاکو) حرقی در عجائب خانه واقع شده دو نفر را سوزانده است

❖ طاعون و هیضه نواب ❖

§ تا (۲۸) شهر جاری آنچه اموات در کراچی ازین دو مرض شده بموجب ذیل است

از مرض طاعون (۲۴) مبتلا و (۱۲) تلف شده  
 بوبای هیضا (۲۰۶) گرفتار و (۸۶) تلف شده اند

❖ معذرت ❖

§ در غیاب مدیر (روزنامه مقدس) اجزای اداره از روی سهو اعلانی طبع نموده که مدهرت ندامت ما شده است اگر چه اخبارات در انتشار هر گونه اعلانات آزادند ولی ما مرکز رضا ندهیم که صفحات روزنامه مقدس با اعلانات غیر مشروعه ملوث گردد لهذا از مشترکین (نامه مقدس) معذرت میخواهیم و امیدواریم این گونه سهو و خطای بین از اجزای اداره من بعد سرزد نشود (مؤیدالاسلام)

- اداره تحریکاتین
- ( میزبان استریت بر ۲۵ )
- کلیه امور اداره
- ( مدیر کل مؤید الاسلام است )
- منیجر اداره
- ( آقا محمد جواد شیرازی است )
- هر دو شنبه طبع
- ( و سه شنبه توزیع میشود )
- بتاریخ دو شنبه
- ( ۱ ربیع الثانی ۱۳۲۰ هجری )
- مصادف با
- ( ۷ - جولائی ۱۹۰۲ میلادی )

➤ روزنامه مقدس

( سنه ۱۳۱۱ )

قبل از دریافت نمودن قبض مخصوصه اداره آمیج یک  
از خریداران نباید قیمت احبار را با حدی تسلیم نمایند



ذمه دار صحت و سقم اعلاناتیکه در اخبار داده  
میشود همان کسانی میباشند که اعلان داده اند

اجزای اداره ذمه دار صحت و سقم عنوانی مستند  
که از طرف خود مینگارند نه سایرین و قایم نگاران  
و صاحبان مکاتیب و مقولات یا ترجمه از ساز جراید

- قیمت اشتراک
- ( سالیانه — شش ماهه )
- هند - و برمه
- ( ۱۲ روپیه — ۷ روپیه )
- ایران - افغانستان
- ( ۴۰ قران — ۲۵ قران )
- عثمانی - و مصر
- ( ۵ مجیدی — ۳ مجیدی )
- اروپا - و چین
- ( ۲۵ فرنک — ۱۵ فرنک )
- روسیه و ترکستان
- ( ۱۰ منات — ۶ منات )

( در این جریده از هرگونه علوم و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فواید ملایم بحث میشود )  
( مراسلات عام المنفعه مقبول و در انتشارش اداره آزادست )

➤ فهرست مضامین

- § تلکرافات • پیشین گوئی • شاهنشاه ایران و ایتالی
- طاعون • خط • مکتوب از افریقای جنوبی
- مکتوب • داستان هکفت و سرگذشت یقین • مکتوب
- از پشاور • شرح اجرت طبع کتب و غیره • نرخ نامه
- حب سیلوا • اعلان • مکتوب قصه نما • قانون نامجه
- جدید شرکت اسلامی • مکتوب از بندر انزلی • حکم
- سفن در خلیج فارس • ترجمه از روزنامه ( واق
- بلات ) لاهی • ایضا • شمه از حالات تاریخی مسلمانان
- چین • حقیقت را نمیشاید نفی • مکتوب وطن پرست
- ایرانی از سویس • شیراز • بوشهر • تخفیف در اجرت
- تلکراف • قدرداتی نتیجه لیاقت • اخبارات خارجه •
- اخبارات داخله • کلکته •

➤ تلکرافات

( بیست و نهم جون )

§ امروز ساعت ۹ صبحی در لندن اعلانی شایع شده  
که با وجودیکه جراحت تکلیف میرساند - اعلیحضرت  
( ادورد هفتم ) شب را با کمال آرامی صبح نمودند و  
هیچ امری در عدم پیشرفت صحت ایشان برخلاف  
دلخواه اطبا و داکتران واقع نگردیده است  
§ در اعلانی که ساعت چهار عصر اشاعت یافته  
ظاهر شده که صحت اعلیحضرت بموجب دلخواه پیشرفت

نموده و تخفیف هم در تکالیف ایشان شده است  
§ والا حضرت خدیو مصر به عرف ملاقات اعلیحضرت  
سلطان عبدالحمیدخان قازی نائل آمده اند  
( سیام جون )

§ ( وایکونت کران بورن ) رئیس مأمورین آتشبازی  
و چراغبانی اظهار نموده که مزاج اعلیحضرت در کمال  
عجلت رو بهبودی گذارده و صحت اعلیحضرت  
بسرعت رو باز دیاد است لهذا مناسب میباشد که  
هموم اهالی اظهار شادمانی نمایند و امشب در تمام  
مملکت انگلستان آتشبازی مفصل خواهد شد

§ در خبری که امروز ساعت ده صبحی اشاعت  
یافته مینویسد که اعلیحضرت ( ادورد هفتم ) دیشب  
خواب راحت نمودند در حریم گذاردن بر جراحانشان  
خیلی اذیت میشود ولی علامت بدی محسوس نیست -

§ مجلس مشاوره سفرای دول متحابه برای استرداد  
ولایت ( نینت سن ) بدولت چین که در ( پکن ) منعقد  
شده مقضی المرام شده اند ( دکتر شوارزیستین ) سفیر  
دولت آلمان و ( سر - ای - استو ) سفیر دولت  
انگلیس اصرار دارند که شرایط تغییر نشود - ( ام -  
لیر ) سفیر دولت روس کنسار کشی دولت متبوعه  
خود را اظهار داشته است

§ (برنس جن) سفیر فوق العاده دولت چین از لندن حرکت و روانه وطن مآلف خود کردید  
 § رجال دولت انگلیس خواهش نموده اند که قشون مستعمرات چندی دیگر در انگلستان قیام نمایند. از این امر ظاهر میشود که جشن تاجگذاری پیش از ایامیکه گمان شده است منقذ خواهد شد

§ تماشایان و مهمانان مستعمرات انگلیس بر جہاز (بورین) و قشون ہندی بر جہاز (راسلین کاسل) و امرای ہندوستان و (لارڈ چارچمیلتن) وزیر ہند بر جہاز (ہارڈنج) با صندھا جہازات و قایقها برای تماشای سفان جنگی در (اسپت ہد) رفته اطراف جہازات گردش و تماشای خوبی نمودند

§ (برنس آف ویلز) شاہزادہ ولیعهد انگلستان فردا ملاحظہ مشق لشکریان مستعمرات را نموده روز چهار شنبہ در سرباز خانہ (ہارس کارڈز) تماشای مشق قشون ہندوستان را خواهند فرمود

§ اسمال محاصل سه ماہہ دولت انگلیس از هر جهت می و پنج ملیون لیرا بودہ . نسبت بسال گذشتہ همین ایام پنج و نیم ملیون اضافہ در محاصل دولت مشارالیا شدہ است  
 § در تلگراف ہیجدهم ماہ جاری اظہار بود کہ (ممتز مک ہیو - ام - پی) کہ یکی از احزای دارالشورای ملی است و محرم تخمیر قاضی عدالت عالیہ حکم سه ماہ حبس بر او جاری شدہ بود از روی مراعات دوبلرہ اورا استعطاق نموده مرافقہ تا دو هفته ملتوی ماندہ و در این بین مجرم از تکرانی آزاد خواهد بود

(اول جولائی)

§ جنرال (کراونچی) سردار شجاع دلیر بوژ کہ در جزیرہ (سنت هلینا) محبوس است در اطاعت دولت انگلیس حلف نموده است

§ آلتبازی مفصلی دیشب در تمام مملکت انگلستان شد  
 § در اسلامبول چهار نفر مبتلای مرض طاعون شدہ اند

§ دیروز شاہزادہ (کائسو) سفیر فوق العاده دولت (کوریہ) با (دیوک آف کنان) و زوجہ شان صرف نہار نمود

§ والا حضرت خدیو با اعلیحضرت سلطانہ صرف نام نموده سپس بار خاص یافت

§ اعلیحضرت پادشاہ ایتالی در جولائی ماہ جاری بہ (سنت پترزبورغ) و در آگست بہ (برلن) رونق افروز خواهد کردید

§ (ام - بو) سفیر فرانسه در (پکن) بحکومت (اندوچینا) کہ از متصرفات فرانس در (آسیا) است برقرار کردید

§ از خبریکہ امروز ساعت هفت شب اشاعت یافتہ ظاہر میشود کہ حالت اعلی حضرت پادشاہ انگلستان بہتر است و مرض ایشان رو بصحت نہادہ . اشہا زیاد است و در مرہم نہادن بر جراحات اذیت کمتر احساس میشود ولی اعلیحضرت باندک حرکتی حسہ میشوند

(دوم جولائی)

§ در اعلان ساعت دہ صبحی اظہار شدہ کہ اعلیحضرت بہ نیکوترین وجہی شب را بروز آورده ہمہ جنبہ رو بصحت آند . و اذیت زیادی از جراحات نمی یابند و جراحات ایشان رو بالقیام نہادہ است

§ از آخرین خبری کہ امروز شایع شدہ ظاہر می شود سکہ ہائیم ترقی در صحت اعلیحضرت نمایان است . تخمیف در درد نیز هست و روزہارا زیادہ آرام و آسایش میکفرانند .

§ مز دوران (راحتوف) کہ واقع در کنار رودخانہ (دان) از ممالک روسیہ است کارخانجاترا تاراج نموده و ماشین ہارا شکستہ دہقانان خانہ و سکتہ های ملاکین را غارت نموده اند . قشون بر شورشیان شلیک کردہ بسیاری مجروح و مقتول شدہ جبہی از سرگروه شورشیان بلباس تلیس نظامی خود را جاسوس اعلیحضرت امپراطور وا نموده اند - ازین رو در جنوبی ممالک روسی آشفتنکی روی داده است

(سوم جولای)

§ خبریکہ امروز بساعت دہ صبحی اشاعت یافتہ مینویسد کہ اعلیحضرت پادشاہ انگلستان دیشب براحات خواب نموده و امری واقع شدہ کہ مانع ترقی صحت ایشان باشد

§ انتظام راہ آہن (تونسوال) و (آرنج) از تحت حکومت عسکرہ بحکام بلدیہ منتقل کردید

§ (شاہزادہ کائسو) سفیر فوق العاده دولت (کوریہ) با ہرمان خود برای وداع ورخصت بحضور علیا

حضرت ملکه انگلستان در قصر (بکنکم پالس) رسیده شاهزاده (کالسو) را از زمان ورود خیلی اهزاز نمودند چنانچه در میان سفر آنها اورا در قصر (ملشن هوس) مهمانی نمودند و این امتیاز خاصه او بود

§ در اعلامیه ساعت هفت مسائی اشاعت یافته مینویسد که اعلیحضرت باسایش روز را شام نمودند و حالشان بهتر است و از جراحت چندان اذیت نمی یابند

§ روزنامه (لنت) در ترقی صحت اعلیحضرت مینویسد که جمیع رطایب انگلستان از شنیدن این خبر که قوای جسمانی پادشاه حسب دلخواه است شاد خواهند گشت -

§ - زده نفر شاهزادگان و امرای هند بر قبر ملکه متوفاه انگلستان در (فراکامور) تاج کل وغیره نهادند -  
§ (مستر بالفورد) وزیر خارجه انگلیس در دارالشورای مل اظهار داشته که من باب اضافه نمودن مصارف هندوستان بسبب زیاد شدن مشاغل سپاهیان بحث خواهد شد -

### (چهارم جولای)

§ از اعلامیه ساعت ده صبح اشاعت یافته ظاهر میشود که اعلیحضرت از وقتیکه عمل جراحی شده شب گذشته را بهتر از سائر شبها خوابیده و باسایش و آرامی تمام شب را روز نموده اند - از جراحت تکلیف نمیرسد در بستر باسانی حرکت میتوانند نمود - ترقی در اشتها هم محسوس میشود -

§ (ام - کسینی) سفیر دولت روس رسماً با اداره خارجه دولت متحده امریکا اعلان داده که دولت روس ولایات (منچوریا) را تخلیه نموده و برای حکومت چینیان موجود است -

§ (ام دلکاسی) وزیر خارجه دولت فرانس در دارالشورای مل فرانس اظهار داشته که تجدید معاهده اتحاد ثلاثه (آلمان) و (آستریا) و (ایتالی) بیچوجه دولت فرانس را تهدید نمی نماید - چه دولت فرانس را جمعیت خاطر از آن است که دولت ایتالی هیچگاه خود را شامل دول دیسکر برای حمله نمودن بر فرانس نخواهد نمود

§ (مستر روزی ولت) رئیس جمهوری دولت آازونی نسبت باهالی جزایر (فلپائن) و جرایم باغبان

رسماً اعلان عفو داده اگر مجرم جرم عسکری نه نموده باشد - جمیع باغندگان باید قسم در اطاعت دولت امریکا یاد نمایند

§ در اعلامیه ساعت هفت صبح اشاعت یافته می نویسد که اعلیحضرت روز را با آرامی و آسایش شب نمودند - قوای جسمانی ایشان حسب دلخواه است و علامت التیام جراحت نیز نمایان میباشد

§ (راس مقان) سفیر فوق الماده دولت حبش با شاهزاده ولیعهد دولت انگلیسی ملاقات نمود  
§ (ام - دیوید) سفیر دولت فرانس در (ژاپون) بجای (ام - بو) سفیر دولت فرانس در (پکن) مقرر گردید

§ اداره راه آهن شرق هند یکی از کارخانجات آلمان فرمایش ساختن سی و دو (انجن - ماشن) داده است کارخانه مذکور در قیمت صدی بیست رویه کتر از کارخانجات انگلیسی گرفته است همین سبب پیشرفت کارخانجات آلمان و علت عقب افتادن کارخانجات انگلیس است  
§ [لارڈ جارج هملتن] وزیر هند دریافت نموده که (دی استدره آیل کپنی) سکار کتان معادن نفت از حکومت هندوستان در جستجو نمودن معادن نفت [برمه] اجازه نیافته اند

§ (مستر چبرلین) وزیر مستعمرات دولت انگلیس در مجلس شورای وزرای مستعمرات امروز صدر بود و (لارڈ سل برن) و (مستر برادرلیک) با سائر اهل شوری نیز حاضر بودند - و بر مسئله حفظ سلطنت انگلیس بحث می نمودند

### (پنجم جولای)

§ از اعلامیه ساعت ده صبحی اشاعت یافته معلوم میشود که اعلیحضرت پادشاه انگلستان شب را به بهترین وجهی صبح نمودند - اطبا بیان مینمایند که بواسطه صحت تشخیم شان اعلیحضرت از مرض خوف بیرون آمده اند - و شب دیگر اشاعه اعلان نخواهند نمود

§ معادل نصف میلیون لیرا بسبب حریقیکه در قورخانه (لارڈ کومارکس - آفریقای جنوبی) واقع شده و خاطر عسکره خاکستر گردیده است

§ (مستر هام برک مکمانند) مابخر کارخانجات مقرر گردیده است



پیشین کوئی

§ روز نامه (طمس مدراس) مینویسد که سال گذشته در ماه جون یکی از منجمین (مسترام کندا سوامی پلائی) باشنده (دیندیگل) پیشین کوئی مفصل عیبی نموده و در ضمن پیشین کوئی خود اظهار داشته که از وضع ستارگان چنان مفهوم میبشود که از یست و یکم تا یست و هشتم جون سنه (۱۹۰۲) میلادی اعلیحضرت پادشاه انگلستانرا از برآمدن دنبلهای مانده سرطان هراتم جسم صدمه بسیار رسد و خوف جان هم در او خواهد بود و از برای دفع اقتران نجومست ستارگان مکتب مذهبی هنود نرکارو سیاه صدقه دادن نیسکوست و چون راین (قول) عمل نباید سلامتی اعلیحضرت برقرار خواهد ماند حق این است که این گونه اخبارات ابداً قابل اعتماد نیست فلک حضراتیکه پیشین کوئی می نمایند مبهم و ذو معنی است

شهباش ایران و ایتالیا

§ از اخبارات چنان مستفاد می شود که اعلیحضرت شاهنشاه ایران دعوت مهمانی که در دلرالمطه رؤم از ایشان شده بود قبول فرموده و از ملاقات رجال و بزرگان نیز انکار فرموده اند و ملکه ایتالی را وداع نموده بمنزل خود شان عودت فرمودند اربن نکتة ظاهری میشود که دولت ایتالی برخلاف مرضی شاهانه غیرمذبانة سلوئی نموده یقین است که وقایع نگاران ما مفصلاً این عنوان را با دارة اطلاع خواهند داد

طاعون

§ هفته گذشته عده مبتلایان طاعونی تمام هند (۱۶۸۴) بوده و (۹۰۰) نفر تلفات بشمار آمده است از آقاز طاعون الی (۷۸) جون بالغ بر دویمت و ۷۹ هزار نفر در پنجاب تلف شدند

§ در لکنهو بیماری طاعونی را سکه واقع در (زهقی بازار) بود اشراق آتش زده چون هوا تند نبود همان زیاد وارد نیامد

§ دو هفته است در جون کسی مبتلای طاعون نشده امید است که آینده این شهر از بلاد طاعونی موضوع گردد

خط

§ در تمام هند (۴۳۹۰۶۲) نفوس در کارهای رفع خط

مغفولاند منجه (۲۶۶۱۲۸) در بلاد هند که تحت حکومت دولت انگلیس اند و (۷۷۵۲۵) در امارتهای بومی - مقام شکر است که همه روزه از عده قحط زدگان میکاهد - هفته گذشته (۲۱۲۲۶) و (۲۳۲۲) در ممالک انگلیس و امارتهای بومی از عده قحط زدگان کاسته است

مکتوب افریقای جنوبی

(عطف باسق)

§ برای اطلاع مشترکین محترمینم شخصی از محرابه دو ماهه آخر ماه دسامبر و فوریه (۱۹۰۲) مینگاریم از اکثر اختلاف تلگرافاتیکه از افریقای جنوبی رسیده حقیقت مطلب را درست بدست آوردن مشکل است مگر از مکاتیب خبرنگاران چیزی فهمیده می شود که در آخر هر ماه واقعات را شرح داده اند - مورخین فرنگ روی بروز صورت تلگرافات را برداشته با اخباراتیکه از ترالسوال بهولاند میرسد مطابقت نموده خلاصه او را بیرون آورده بت اوراق تواریخ میدارند

خلاصه محارباتیکه در ماه دسامبر (۱۹۰۲) بین (ترالسوال) و انگلیس شده از این قرار است ماه مذکور در خاک ترالسوال در (۱۲۰) مواقع میدان جنگ بین انگلیس و بوری آراسته گردید

و در ممالک (آرنج) صد و یک محل محاربه نمودند و در مستعمرات انگلیس (۷۹) موضع در شمال (۹) جا و در جاهای مختلف بدون اسم هفت جا مختصراً در (۳۱) روز دسامبر (۳۱۱) موقع جنگ بود خطراره طرفین هزار و پانصد نفر مقتول و هزار و هشتصد نفر اسیر و هزار و دویست نفر مجروح و چهار صد نفر بامراض مختلف مرده اند

سه روز اول ماه من بود محلهای محاربه را اسم برده کفایت مینایم از این منوال تا آخر ماه را استنباط میتوان نمود روز اول مارس (۱۹۰۲) میدان کارزار در هفت موضع بین انگلیس و بوز کرم گردید

جنگ اول در (وینورک) مملکت (آرنج) بود که دو ساعت از آفتاب بالا آمده ختم شد (۷) (نیانکو) در خاک ترالسوال نیم ساعت از دست فریبین از یکدیگر علاحده شدند

(۳) در (انکوآر) یکساعت بعد از ظهر جنگ ختم شد

§ روز (۴) ماه فوریه (۱۹۰۷) عسکر انگلیس بین (دماین) در خاک (آرنج) حمله بجماعت بوژ کرد سردار جماعت مذکور با چهار مراده توپ که یک مراده او را از انگلیسان گرفته بودند مقابل نمود در نتیجه پنج نفر از جماعت بوژ مقتول و شش نفر مجروح و (۲۷) نفر اسیر انگلیس گردیدند

روز پنجم ماه عز بور یک دسته عساکر انگلیس بریاست (موسویاور) به (مسیو دلبری) در نواحی (بورک هر) تصادف نموده (۱۳۱) عسکر انگلیس اسیر - یک نفر مقتول - و هفت نفر مجروح شدند

در همان روز دسته دیگر از بوژ بسرداری (جنزل دیوت) رو برو میشوند بقشون انگلیس دو نفر بوژ مقتول و پنج نفر مجروح و (۲۳) اسیر میگردند

روز پنجم عساکر انگلیس از سکنار رودخانه (لئی بن رگس و رای) از طریق غرب رو به (ممنده فرول - وهرنگ) رفته که خود را به (کرانک) برسانند بجماعت بوژ مقابل شده میدان جنگ در گرفته خساره از دو طرف بسیار وارد آمد

در روز مذکور یکدسته عساکر بوژ که صد و شصت نفر پیاده و شصت نفر سواره بودند بین (نویش باونین) و (بوشرت) در غرب (فراز ریورک) و (لکین چاک) بفاصله ۴۰۰ کیلو دور تر از (کاپتون) وسد و هشتاد کیلو دور از ساحل دریا دچار عساکر انگلیس شده و آنها را تعاقب نموده تا هر دو جماعت رو برو گردیده با قشون انگلیس بجاده دو صاحب منصب و یازده عسکر مقتول و ده صاحب منصب و (۱۷) لشکر مجروح گردیدند و خساره زیادی هم به بوژان وارد آمد

### مکتوب

§ روز نامه (ادوکت آف اندیا) عنوانی نکاشته که خلاصه مضمونش را برای توجه رجال دولت مینگاریم هر گاه بخواهیم شرح دهیم اطلاعاتی را که در پاریس بنوانهای مختلف شایع شده می بینیم که دولت انگریز دو نقطه مهمه ایران را از سمت بلوچستان و حیستان متصرف شده و از روی همین اطلاعات الحسار (نوورمیا) می روس میطر ازد که جرقه های عساکر هندی انگریز علی الظاهر قدم جمارت فراتر

(۵) (سنگال) آرنج از ظهر تا چهار ساعت جنگ بود  
(۶) (زاندوتین) ترالسوال از ظهر با طرف (بریدی) کاب بعد از ظهر خساره بوژان بسیار شد

(۷) (بشمرفتی) دوازده کیلو در بعد شمالی کاب بعد از ظهر تا یک ساعت از شب گذشته جنگ بود  
◀ دویم مارس در (۶) موضع ▶

§ (۱) جنگ در (بلان لیرل) - خاک آرنج پیش از ظهر خساره انگلیس زیاد بود  
(۲) (وریتزید) - ترالسوال - پیش از خساره طرفین کتاره گرفتند

(۳) (گرداستاه) - آرنج  
(۴) (کافونین) - ترالسوال  
(۵) (کرب لوس درخت) - ترالسوال

(۶) (فره وریک ستاو) - کاب - مستعمرات انگلیس بعد از ظهر

محاربات روز سیم مارس و سال (۱۹۰۷) بین ترالسوال و انگلیس و اسامی نقاط جنگ و خساره بدین قرار بود

(۱) (روالس بت) - خاک آرنج پیش از طلوع فجر خساره انگلیس پیش بود  
(۲) (فرورک اشتاو) - کاب - مستعمرات انگلیس خساره بوژ زیاد بود

(۳) (هابرون) - آرنج - پیش از ظهر خساره طرفین  
(۴) (بس یک پوربت) - ترالسوال - پیش از ظهر  
(۵) (راتیش برویش) - " " "

(۶) (در بهف) - خاک آرنج - بعد از ظهر خساره انگلیس زیاد بود

(۷) (واتر برک) - ترالسوال  
(۸) (فراز ریورک) - کاب - از طرفین خساره زیاد شد و این جنگ بعد از ظهر بود

(۹) (بون بورک) - ترالسوال  
مقصود ازین اسامی و تعیین محل این است که بدانند در هر روز بین انگلیس و بوژ در چند موضع خساره میدهد و در هر موضع سرکرده علاحده با عساکر جداگانه با بوژان تصادف میگردند

▶ اطلاعات جنگ روز بروز بطور اختصار ▶

پاده و بطرف ایران در جنبش آمد و اینمسل تقوین انگلیس موجب آن شده که عمال دولت ایران لایحه شکوایه بدولت مشارالیها پیش کرده اند - اخبار من بور می نویسد اسکر ما خواشون بانیم که دولت انگلیس کارها را بطور دلخواه خود با دولت ایران بکنند هر آینه نتیجه آن کردار موجب ضرر عظیم برای دولت روس خواهد بود در این امر شك و شبهه نیست که عمال ایران که در قرب و جوار همسایگی دولت من بوره در سیستان و بلوچستانند همه مواجب خور آن می باشند بسیاری از آنها مدتهاست که مواجب و معونه از دولت همسایه می یابند چنانچه خوانین و امرای بلوچ - هرگاه تحقیق در کردار همسایگی از طهران بمأموریت آنجا میفرستند بفرد که تا کجا مدد بولکلای دولت انگریز کرده اند در پیشرفت عمل و بجه اندازه جدو جهد در رضایت آن دولت داشته اند یقین حاصل خواهیم نمود که دولت انگریز حق تقدم و پیشرفت کار خود را بنوع دیگر حاصل نموده و بدون سبب پیشرفت نکرده بنا علی لازم است که دولت روس توحی در اینکار نموده چند نفر از ضباط خود را برای حفظ حقوق پادشاه ایران بآن صفحات فرستاده مملکت او را از دست برد دولت همسایه وقایه نماید و بمیت عمال دولت ایران فیصله جمیع حدود متنازع فیه را با دولت انگریز نماید - و بنماید که تا کجا دولت همسایه دست اغتصاب دراز کرده اگر چه ما را نرسد که بگویم دولتین باید کیسبونی برای تحدید حدود خود در آن صفحات معین کنند و یا آنکه آینه باید همچو رفتار شود که تقدم انگریز را مانع آید چه بیفقدمی او در جنوب شرقی ایران مضر فوایدماست مدیست که ما از مسئله سیستان صرف نظر کرده ایم اما اگر ضرورت داعی شود از امور فوریه قرار داد خواهد شد - حل این مسئله سربسته قاضی از ضروریات امروزه دولت روس است

داستان شکفت . و سرگذشت یقین

( از شماره (۳۴) )

موسی - هالشب که از سائین دره به سراب باز کشته بود هشت ساعت از شب کشته داخل رختخواب خودش اما هر قدر غمزه خوابش نه بره زیرا از برهان خیالی بهم می پیچید ولی نزدیک صبح از گشتی وجود

و خیال بخواب رفته پنج ساعت از روتر کشته از خواب بیدار شد - اما حالت غریبی بنویس روی داده بود که نمیتوانست در یکجا آرام بگیرد - سو در اطاق بدینسو و آسورفته و با خود گفتگو مینموده تا احوال افعال خود را که در حق اطفال بیگس نموده بود بتصور آورده مکدر و پشیمان میشد و گاه خود را لمطلوب محبت و عشق زوجه خود دیده از کود های مسعود مسرورانه میخندید .

در ایرانشا (قرخانم) پشت در اطاق آمده حرفهای شوهر را گوش میداد - در حالیکه موسی حرفهای آنی را ؟ خود گفته از گوش دادن قر بنخبر بود نه خیر کشتن کودکان روا نبود بهتر آن بود دختر کارا بحالت خود وا میکندارم خلاه بد بخت من ( ساله ) در مرض چند روز با شکنجه و آزار آتازا تلف میکرد ولی . . . .

اکنون کار از کار گذشته است - آه قر آه . . . آیا تویستی مرا به این دقائت و حسیات بجهور نمودی این حرفها را رده و نفس بجو بوق خود میزد و میکشید . اما این حالت موسی چندان امتداد نکره ورود (قرخانم) با اطاق مشارالیه را بهوش آورده موسی زوجه خود را دید که محزونانه و مأیوسانه در برابر او مبهوت ایستاده متوجه بموسی الیها شده گفت - قر - چرا احوالت پریشانست؟ مگر ناخوش هستی؟ خیر - جناب آقا وجوداً ناخوش نیستم آیا روح شما هم رنجور است؟ بل بسیار بسیار روحم معذب است سبب چیست فرمائید آقا این حالت اضطراب سکه در شما ملاحظه مینمایم چه عرض کنم . . . .

چنین معلوم میشود که توهم از حالت من متأثر شده ؟

ایا احتیاج بسؤال است

موسی زمانی بجهوره (قرخانم) نظاره نموده یکباره تغییر حالت در او بروز نموده و غضب آلوده با آواز بلند گفت

قر - دیگر در اینجا درنگ مکن برو به اطاق خودت زیرا . . .

... که در آن چشمه چه کردم هر چه گفته بودم تمام  
 کرد. سراب از اطاق خود بطرد میفرمائی  
 ... من مظلوم اطفال و وسوس تو شده جگر  
 بارهای خوبها در یکساعت جو و تلف نمودم  
 قر. دیگر ترا دوست نمیتوانم داشت و از تو نفرت  
 مینامم. ای زن بتو میگویم از نزد من دور شو و  
 برها بر بختن خون خود و ادار منما و مجبور به ارتکاب  
 سومین جنایت مکن

آخ ... خلیث ... حبه کر ... این بگفت  
 و بدمهوش شده سر خود را با دست گرفته بزمین  
 ریخت. ولی باز در آنحالت لبهای مشارالیه حرکت  
 مینمود و چنین میگفت

آه خدایا این چه خطا بود که از من سرزد  
 چه کاری بود که کردم چرا کودکان بی گناه را بدان  
 نخواستی و کاری نمودم که هیچ بشر نمیکرد  
 بی من یک پدر قاتل و ستمکاری

آه دخترانم. طفلهای معصوم. یتیمان بی مادرم. هرگز  
 مرا عفو نخواهید کرد. هیهات! ای پدر شقی چگونه  
 کلمه مقدس (عفورا) به لسان خود جاری توانی نمود!  
 چگونه جسارت میکنی چه قدر این مطلب با کرداری  
 که از تو سرزده بیداست و حال آنکه منتقم حقیقی ...  
 (این بگفت و غش کرده افتاد)

قر. که نیم ساعت بود در يك گوشه اطاق مات و  
 مهوت ایستاده از خود بچرخ بود از مشاهده آنحالت  
 فهمید که کار بسختی سبک شده و خاموشی در پیش است  
 لهذا لازم دید که شوهر را هر وسیله که تواند بهوش  
 آورده و آخرین ضربه خنده و فریب خود را در ماهه  
 او بکار برد. سر موسی را زانو سگرفته و قدیمی  
 بیوشن بنفشه بدماغش چکاند و بنا نمود بالیدن دوش  
 و پیشانی او: در آنوقت جوی از قرینه پرکوش و چند  
 نفر هم از اهل سراب بخانه رضا خان حکیم آمده بودند  
 ... میرزا مصراقه خان حاکم قصبه سراب با فراشبانی  
 خود (علیق خان) در اطاق مخصوص رضا خان طیب  
 اعلیست روزنامه و راپورت حکیمرا که درباره دختران  
 نوشته بود ملاحظه می نمودند. در یکطرف هم خود  
 رضا خان و رئیس سواره (صمدخان) و برادر زاده  
 او ظاهر بیک (رو زید) و (محمد) مدتی آن نشست

در باره دختر مجنون گفتگو و صحبت میکردند و آن  
 هنگام آمد رضاخان وارد اطاق شده بحاکم قصبه گفت  
 که دو نفر جوان دستوری میخواهند بخدمت شما  
 برسند مشارالیه اذن داد. آندو نفر وارد شدند یکی  
 (احمد) و دیگری (حسن) نام بودند که در اول  
 قصه مسکرها را گذشته بود. مشارالیهما کیفیت را  
 از فراشهای مصراقه خان خبر گرفته و آنجا آمده بودند  
 که شاید حضور شان برای شهادت سرگذشت یتیمان  
 لازم مییابد. هنگام ورود آنان رئیس سوار به رضا  
 خان میگفت

چنین مفهوم میسکرده که در باره دخترک فکر  
 آخر شما ...

بلی! در خصوص دختر مجنون تدبیر آخر ما این است  
 که بر حسب امر حاکم او را به تبریز بفرستیم تا در آنجا  
 بمعالجه اش به پردازد: و آنزمان حاکم به رشید گفت  
 به بین مأمور اینکه به پرکوش رفته بودند عودت  
 کرده اند یا نه؟ اگر آمده باشند بگو اینجا بیایند  
 فی الفور رشید بیرون رفته سه نفر از همقطاران  
 خود را دید که آمده اند داخل اطاق نمود. حاکم  
 بطاهر بیک گفت

بیک - اینک نوبه شما رسید  
 خان - منتظر اوامر شما هستم  
 پنج دقیقه دیگر صبر نمایند  
 این بگفت رو بپیشی از آن سه نفر مأمور کرد  
 چه طور شد آیا آژن را آوردید؟  
 خان - او را می آوردم ...

می آوردم چه چیز است مگر گریزانید  
 خیر. خان تکریراندم. بحسب حکم شما مومی الیه  
 را تا کمال سهوات در پرکوش بدست آوردیم و بطرف  
 قصبه عزیمت نمودیم (باقی دارد)  
 مکتوب از پشاور

(قابل توجه خیرین اسلام)  
 ۱۰ برضیه منیر اکبر نظیر فیض تأثیر روشن طبیان  
 فراست دستور و اتصال نویسان افراد دفتر عقول و  
 شعور که بموجب احکام مطاعه واجب الاطاعه دیوان  
 جود و امتنان پادشاه قلمرو عدل و احسان در انجام  
 مهمات دولتی امور سلسله کالات عالیه منتظم و منظمند

عقبن و عجب نانه که مجلس انجمن حمایت اسلام  
 تخمیناً دوازده سال میبود که در شهر پشاور بنطاق  
 جدید اسلامیان قائم گردیده - بنا بر دولتی و نیکنامی  
 و تحصیل علوم دینی و اکتساب کالات اطفال مسلمانان  
 که در رساله انجمن مذکور شایع امت ظاهر و هویدا  
 میباید - علاوه بر آن پرورش یتیمان و طلاب بی بضاعت  
 و حفاظت دین و ناموس اهل اسلام نیز در آن مندرج  
 است چنانچه در بدایت حال از طرف انجمن مدارس  
 زنانه مرتب و مصور بود الحال هم مدرسه مرده که  
 تا چند درجه را تعلیم میدهد مهیا و بریاست نتایج  
 مدرسه اسلامی نسبت بمائز مدارس هم سه ساله درجه  
 اول و دویم بر می آید - انجمن بیضاعت تنگی مکان  
 مدرسه نهایت متوش بود بعد از آن اعضای انجمن  
 یکقطعه زمین غیر مصور خریداری کرده مبلغ  
 شش هزار روپیه صرف نموده عمارت جدید تعمیر  
 نموده که در ماه دسمبر ماضی ظالمی خدا ناشناس  
 از روی حسد آتش در عمارت زده جمله بسوخت  
 و نابود گردید شرکای انجمن بسبب اصالت  
 نسب و شرافت حسب خود صدا بالا نمکرده آتیه  
 شریفه (انالله و انالیه راجعون) را خوانده صبر  
 نمودند حضرت مسبب الاسباب که معین حال جمله  
 مخلوق است سببی بر انکبخت یعنی چنان شد که در  
 ۲۷ اپریل بواسطه تشریف آوردن (لارڈ کرزن)  
 فرمانفرمای هند جهت رؤسا و نوابان سرحدات بسبب  
 شامل شدن در دربار حسب دعوت از جانب حکومت  
 در شهر پشاور جمع شده حامیان انجمن این موقع را  
 غلیمت دانست اول بصحابت جناب میان اکبر شاه  
 صاحب فاکا حیل که در نظر جهت معتبرین سرحد  
 قدری نام داشت بخدمت جناب عظمت مدار مصدر  
 مکرم احسان عمدة الکرام العظام مهتر والا والی  
 جنرال کجکول در یوزه پیش نموده جناب موصوف از  
 روی بیضاقت خاطر منظور فرموده بعد از استماع  
 مضامین چند و کلمات دینی از زبان طلاب اسلامی مبلغ  
 یکهزار روپیه نقد و بیست روپیه ماهانه مقرر نمودند  
 و سند ماهواری سکه عبارت از بیست روپیه باشد  
 تسلیم انجمن شد - سپس خادمان انجمن بذریعه  
 طالبجاه خان بهادر محمد ابراهیم خان صاحب بخدمت

جناب مستطاب نواب صاحب (دیر) التبحر نموده  
 نواب محمود بروفق رضای الهی از خلوص نیت مبلغ  
 یکهزار روپیه نقد عطا نموده و بیست و پنج روپیه  
 ماهوار تعیین نمودند (جزواهد الله احسن الجزاء فی الآلین  
 والآخره)  
 بعد از آن اعضای انجمن حمایت اسلام بخدمت  
 رفیع جایگاه خان عظیم الشان صفدر خان رئیس ناوکی  
 حاضر شده مطالب خود را بیان نمودند خان موصوف  
 بکمال خشوع بیان نمود سکه فی الحال میسر  
 نیست الشاء الله چون وارد مکان و مسکن خود  
 کردیم بشرط حیانت و یادآوری شماها هر مبنی  
 سکه خانان موصوف عطا نموده اند بنده نیز بجهت  
 مصارف مدرسه حمایت اسلامی خدمت خواهم کرد  
 امید است که بمصدق حدیث مبارک حضرت رسالت  
 بناهی که میفرمایند (الکریم اذا وعد وفا) بوعده  
 خود وفا خواهند نمود و علی هذاه القیاس نواب صاحب  
 (تیری) که سخاوت ایشان (اظهر من الشمس) است  
 بقاعده خالصاحب (ناوکی) وعده نمودند هیچ شک  
 نیست که عنقریب از قوه عمل خواهد آمد و بسبب عطایا  
 و بذل احسان صاحبان موصوف انجمن حمایت اسلام را  
 ممنون و مشغوف کردند اما بر رای عقده کشای حقیقت  
 بنای هر يك از دقیقه سنجان خرد و همتای و مستدعیان  
 فیوضات کارخانه الهی واضح و لایح اینکه فرض از  
 نکاشتن این فقرات آن است که برای هر يك از صاحبان  
 بیضاعت حق المقدور بمضمون (قوله تعالی علی الموسع قدره  
 و علی مقتدر قدره) کوشیده قولاً و فعلاً و بمصدق  
 فرموده عنبر صادق (صلی الله علیه وسلم - من امان لطلاب  
 العلم ولو بقلم مکسورة و جب له الجنة) از اطانت برادری  
 مضایقه نفرمایند حاصل آنکه هرگاه میل بخارجه  
 و نیک نامی موفور داشته باشند آیه سکریمه (من جاء  
 بالحسن فله عشر امثالهها) را مدنظر ساخته خود را  
 داخل (والذین ینفقون اموالهم باللیل والنهار) نمایند  
 العشاء الله تعالی باعث نیک نامی دنیا و رستگاری آخرت  
 خواهد بود لهذا انجمن بحکم (لم یشکر الناس لم یشکرا الله)  
 از قلب و زبان شکر به آن صاحبان عظام و سایر معاونین  
 خود دست بدیاست که حق تعالی معاونین انجمن را در  
 دنیا و آخرت معزز و مکرم گرداند بجرمت النون و الصاد -

◀ طرح اجرت طبع کتب وغیره ▶

§ اعضای مطبع بهرابط ذیل برای طبع هرکونه کتب عربی - فارسی - اردو - وغیره حاضراند

§ (اول) - اجرتیکه ذیلا در نرخ نامه معین شده فقط برای نوشتن و یا حروف چیدن و طبع کردن کتاب است - قیمت کاغذ و اجرت صحافی و جلدبندی وغیره بذمه مالک کتاب میباشد - ولی اجزای مطبع حاضراند که بهر قسم دستور العمل داده شود تمویل نمایند

§ (دوم) مطبع ذمه دار همت مطبوعات خود مطابق نسخه اصل است

§ (سوم) - میزان یک جزو را چهار صفحه یا دو ورق جلدالتین قرار داده ایم - اهم براینکه همان قطع را چهار صفحه یا هشت صفحه و یا شانزده صفحه قرار دهند یک جزو محسوب خواهد شد - اگر اندکی بیش تا نیم (انچ) - ربع کره قطع کاغذ کم یا بیش باشد همین اجرت محسوب خواهد بود

§ (چهارم) حروف درشت و متوسط و ریزه از ملاحظه لوحه اخبار جلدالتین ظاهر میتواند شد

§ (پنجم) - خط مطبوعات سنگی مطبع اهم از نسخ - نستعلیق - شکسته - مطابق خطوط متوسطه رسائل منطبقه بمبئی و سایر بلاد هند خواهد بود

§ (ششم) - برای مدت طبع بعد از تصفیه تمام امور فی جزوی ده روز مقرر است

§ (هفتم) نصف اجرت طبع پیش گرفته میشود و نصف دیگر پس از اتمام نصف (ملیجر مطبع)

● ▶ نرخ نامه ▶ ●

فی جزو	حروف ریزه	حروف متوسط	حروف درشت خطی بمبئی سنز
هزار نسخه	ده روپیه	نه روپیه	هشت روپیه هفت و نیم روپیه
صد نسخه	دو روپیه	هفت روپیه	شش روپیه پنج و نیم روپیه

◀ حب سیلوا ▶

حب در ایجاد و تزئید قوه باه و امساک و رفع سرعت ازال که حقیقت عیش جوانی و منی نشاط و کامرانی است نه آنقدر نافع و مفید است که بیان توان نمود حتی آنکه اگر جوانی مسلوب القوه یا پیری ضعیف القوه باشد و استعمال این حب نماید صاحب قوه نامه خواهد شد و علاوه براین بجهت امراض عدیده خصوصاً تقویت صماغ و رفع سستی و رخاوت

آن - وضعف و لاغری بدن - صرع و رعشه قلیح و تقوی - حرق النساء و زله و بدعضی غنا که بسبب زیادتی مغنه و خیال باغد و نسلد التی و خیالات فاسده که موجب کسالت و بطلت باشد نافع و بی نظیر است و درلسوان مسمن بدن و باهت آمدن حیض بقاعده طبعیه میباشد و هر یک از ساحان که طالب باشد (در بمبئی اورینتال فارسی باه کله) رجوع فرمایند سکه خواهند یافت و قیمت شیشه که بجهت استعمال یکگاه کفایت میکند از قرار (شش روپیه) است و در زنی که دوازده نیشه باشد (شصت روپیه) میباشد وضع استعمال آن اطراف شیشها پیچیده است

◀ وضع ترکیب استعمال حب سیلوا این است ▶

روزی دومرتبه یک حب بعد از نهار و یک حب بعد از شام به آب خالص بلع نمایند - و اگر درمرض ده روز قائده بر حسب استدعا مرتب نشد باید که روزی سه فقره سه حب بخورند - به این ترتیب که یک حب بعد از ناشتا و یک حب بعد از نهار و یکی بعد از شام و در ایام استعمال حب (سیلوا) باید که اغذیه مسمن بدنه صرف شود

◀ اعلان ▶

از کنطور و اداره (فلیکس فون مت تی) ماشین آلات و اشیاء (تکنیک) جهت ساختن آجر و کنکهای راه آب وغیره - و هکذا اقسام آهنکها جهت تعمیرات در شهر (نیکلا یوف) در کوچه (فالیوسکایا) نمرة (۱۰) و تلفون نمرة (۱۹)

آدرس بجهت تلگراف (نیکلا یوف مت تی) مخصوصاً جهت بنای کارخانجات آجر سازی و کنکها بانواع و اقسام و این سگونه کارخانجات جهت ساختن آجرهای معجری و پرونی و کنکهای مختلفه و اینگونه اشیاء

همچنین ساختن کوره ها در معادن و کوره های آجر پزی که در سوخت بسیار با صرفه باشد همچنین چاپهای مخصوص جهت خشک کردن اشیاء (کرخانه) و هکذا نقشه آنها را کشیدن و تعیین مخارج هر یک از آن بناها بعهده گرفته میشود همچنین این اداره قبول میکند نظارت تعمیرات



را و تعیین احوال و قیاس کارخانجات و غیره را  
همچنین قبول میشود تشریح مواه مدنی و امتحان  
اراضی

نماینده این اداره جهت سمت جنوب روسیه :  
( شرکت آکسیون ) ( ساینسکو لیتنو و ماشن  
سازی ) ( که سابق متعلق به لوئیز پکربود )

در شهر ( کولن - راپرن فیلد ) کارخانه مخصوص  
آجر پزی و کنگ سازی و ماشین سازیست

این اداره زاید بر بجهت کارخانه ساخته است  
No 77385.

### مکتوب قصه نما

( نمبر ۲ )

### یکی هست و یکی نیست خدای ایران

( و فرنگستان یکیست )

کاهیکه بفرمان جعفر عباسی سر و کمر را از  
پای انداختند مرغان کهن خانواده مهرانی شدند. و  
به ترنات مختلف بنای رسوائی گذاشتند. مرغی بچاره  
و از خانان آواره که در پایش سرو چشم همه کونه  
امنیت و آسایش رفیق تصور آیه اش بود در پای  
سرو زیست. و بچشم حیرت در اونگریست همه روزه  
مرغان هم خانه و صدیقان هم آشیانه براو گذاشتند و  
بدل جویش نشستند که چرا طرف کاجی نکبری یا بر  
شاخ صنوبری آشیانه نیکفاری در جواب مرغان  
خاموش بود و پای ناسرکوش. کاهیکه پایه آزارش فرودند  
دیوانه وار بر کنکره کانی پریدی و ترناتی مبهم و  
سربسته کردی که رفیقان از فهمش کند بودند. و  
بناچار دیوزده و دیوانه اش گفتند. بچاره مرغک پرشکسته  
بر ملامت دوستان صبر کرد. و بر طعنه دشمنان منانت  
آورد تا شبی که خبر انتقال خلیفه در کوش جانس  
سروش غیبی گفت و روان کوچکش را از قید محنتی  
بزرگ آزاد خواست

صبحگاهی در چهره نانی خورشید آواز بدیده  
کوئی گرفت و بساط خوشخوقی بین کرد خبر معالجه  
دماغش سر شد و قصه بذله کویش مشهر مرغان  
نام دورش گرفتند و از قضایای گذشته اش پرسیدند  
که شهرستان جنون را چگونه دیدی و در خلوتکا.  
خاموشی از زبان سرائر نهان چه شنیدی کدام حکیم

علاج کندی زبات کرد و درمان پریشانی وجدانت -  
گفت - ای رفیقان عزیز پس از چندی قصه قاش  
خواهد شد و نقل محفل اوباش. اکنون بمکافات ایام  
سلف سخن باربدگیرم و بر کار کنندگان بدان خوانم  
مزرع سبز فلک دیدم و هاس مه نو

یادم از کشته خویش آمد هنگام درو

تسکبه بر اختر شبکره مکن کاین عیار

تاج کاؤس ربود و کر کیخسرو

روزی چند نگذشت که عباسیان شمار ماتم گرفتند.

و خبر فوت خلیفه در اقطار عالم افتاد. مرغان بساط

عیش چیدند. و زمزمه کنان از آشیانه ها پریدند. و

بگرد مرغک کوچک حلقه عشرت زدند. و هدایای

عزت پیش گذاشتند. که ای همدید نیز بال شهر

(سبا) وای های هاپون عنوان قاف وفا. این آکمی تو

قبل از وصول خبر و ظهور اثر از کجا بود. و مارا

این یغبری از چه رو. بچاره مرغک شکسته بال از آن

جائیکه مرغ جانس پیش گرفت دانست که دست قضایش

باز ماتی بزرگ پیش آورده. و سینه اش را با منقار

ملامت ریش خواسته است. گفت ای رفیقان عزیز

من سالهای دراز با هم در یک درخت بودیم. همخانه و

در یک وطن هم آشیانه. هیچ روزی من آزار شما را

نخواستم و بر هیچکدام ارشما بارسیدم. اگر خانه ساخته

ام بفتوای تجاوز در او اعتکاف جستید. سکونت

ورزیدم. و اگر زای اندوغم و بوام شمارا دادم و

در استرداد روی مضابقت نشان دادید ملامت نشان

دادم. همه روز از مجالست شما بر کنار بودم و از

مراقت در فرار. کاهیکه از علم تربیب منزل باشما در

زمان قدیم سخن گفتم امر بخروج از وطن گرهید.

و زمانیکه از شامت تجاوز و استبداد شما را متنبه

خواستم بسفاقت و بی خریدیم گواه تراشیدید. آن

روز که خاموش نشستم دیوزده و آشفته ام گفتید.

امروز که بسخن آمده ام بخود پسندی ضرب المثل

نشان میدهید

ای محیب چه قدر رفیقان بیهر و هوطنان بر

آزاری بودید. که بر زاریم رحمت نیاروردید. و بر شکستی

روزگارم شکسته خاطر لشدید. بلکه این غاربی را که

امروز پناه گرفتیم بآتش فضول تباه میخواید و

هوای سعادت را مکرر از دودهای سیاه . خدارا از دور من بکناری روید . و در ساحت کلذاری زبید . چرا که طفرای من از دست قضا هم شامت است و فرمان شما از پنجه قدر هم سعادت . مسلمات من از شما این است که نه شما را بامن کار باشد . و نه مرا در حضرت کبریای شما اعتبار گرفتار . امروز دوستانه بر من کرد آمده اید و از من میپرسید آنچه را که نمیتوانم بگویم . اگر چون دیگران در خم نارفته طاوسی کنم . و باشهری هراب عنوان کاوسی مرا نشاید و اگر از آنچه از حقیقت دانم بر شما برخوانم در شلیدش جانم را نشان تیر ملامت خواهید کرد . و از برای خود تشکیل دایره عقاوت . اول اردی بود و نفس ناطقه را از تسمات فروردینی باوشحات روانی اهتزاز حاصل آمد . و بناگاه بسحق کفتم . و امروز باپشیمانها جفتم از شما دوستارم که از لغزش زبانی من در کفرید . و از درد های نهانی من میپرسید . و بر جان ناتوانم ( که درین تنگنای نفس گرفتار آلام یومیه است ) رحمت آرید . که آفریننده رحمت بر شما رحمت خود . مضایقت نکنند . همه گفتندش که اگر چه تودر حسب شمردن شهور و سنین از ما عقب مانده . ولی این ظهورات گاه گاه جای شبهه نمیکند که مفادی باید ناقضیه ( انی اعلم مالا تعلمون ) بر نتیجه نماید . مرغک بچاره در مقام کریز گفت که رفیقان من خواهش میکنم صکه سینه خود را شبیه بسینه جوجهای کوچک از حب و بغض ششواب یومیه پاک کنید و محبوبانه در کرد من بره زبید . و پر در پر کشید . نامبادا سرم خارجی بر معایب علمی من درگاه سخن مطلع شوند . تا من از برای شما مثل بیان کنم و تق ( همد ) بیاد شاه اسرائیلی که سلیمان علیه السلام پسر داؤد علیه السلام باشد گفت . که مرا در لشکر گاه همراه بدار چرا که من از تیزی نظر هنگام طیران در هوا آب را در زیر زمین می بینم . یارانی که با او طریق موافقت داشتند و قصه . و اقلت طریق مخالفت گرفتند . و رای بجانب زدند . که این مرغک کوچک را بشکرید که بایکر حمامه دعوی هاش کند . و با کوچکی چنگال و کندی منقار بایه عنقانی خواهد . تو که دانه را در زیر دام نمی بینی چگونه آبرو در خفا و احمق زمین می بینی . هر چه همد آبله قدریه . و حکمات

قضایه . و مسلمات حسیه . بر بساط تحقیق ریخت که سوری نمیتواند . رایحه قرنفل دهد و از نای فاخته نفوذ که نوای بلبل بر آید . نه از شکر خاصیت حنظل خواهند و نه از پیشک بوی مشک انفکاک اشیاء از خواص طیبی از مختلفات است . و ظهورات وجود در تمینات بالوان مختلف در شطر یقیلیات . از حکمای قدیم یکی ( سقراط ) شد و از علمای جدید یکی ( ولتر ) اگر صرف باکتساب بود هزار احمد صاحب کتاب داشتیم . معلم مسیح که بود . و نقش صورت یوسف را تا این پایه که صیغ کشید . زجاج باسناده تربیت یا قوت درویشان نفوذ . و آب تلخ با همه تحلیلات کیمیائی عذب و احاج نکرد . تصرف تربیت تصرف دفع انقلاب است که مانع منع استهلاک جزئی در کلی است . و امرش امری اقتصادی . و امتتالش در یکی مبشر ظهور . و در یکی غطاء خفاء

یعنی در جانی بروز دهنده و یا کاشف ملکات فاضله است و در مقامی ساز یا مانع شوم رده  
سحر با معجزه پهلونزد دلخوش دار  
کی سهی عکس زخورشید مصفا به برد  
هر چه همد . از اینگونه آیات خواند و بدینگونه  
بینات نمسک جست . رایات نفاق تموج گرفت و مراتب  
خود دوستی و خود برستی صورت وحشت نشان داد .  
و در درگاه حضرت آلوده به تهمت کذبش کردند .  
و از اهل مکر و شیدش خواندند .

لغت حق بر لجاج باد که کشت

کار در شاه از لجاج پریهان

مرقاوش همه یگزان گفتند که ما با تو عهد موافقت داریم و شیوه مراقبت . و بیان می بندیم بناموس ملت . و شئون استقلال جمعیت . و قسم میخوریم بشامت استبداد مطلقه . و سعادت حریت مقیده که تو را بقید غم نکذاریم و از آئین وفا برکنار نشویم و راز از برده بیرون نیفکنیم و تو را چون مرغان نادان عهد سلیمان در پشت دیوار مشورخانه دوستاران آ . ایش جمعیت تنها نکذاریم اگر چه مرغک ژولیده از بیوفای رفیقان و مکاید اهریمنان و دیوان و واقعاتی که از حسد و حفظ منصب همیشه پسرانسانرا تعقیب میکرد است مطلع بود ولی از آنجائیکه ارباب حیثیت و ناموس و خداوندان

صفت و استقامت ناچارند که بر کسی نهمت بیوقان  
توانند. و قبل از ظهور جنایت عنوان ملامت بمیان  
نکشند. قبول کرد و گفت حالا که وجدان خودتارا  
هر پیشگاه وجود حاضر از برای ثبات در عهد  
دیده ابد برای شما بگویم (باقی دارد)

﴿ قانون نامه جدید شرکت اسلامیہ ﴾  
(عطف باسبق)

﴿ فصل هفتم ﴾

﴿ تکلیف اجزا و مستخدمین اسلامیہ ﴾

§ (۷۲) تعیین اجزا و مستخدمین اداره جات  
شرکت اسلامیہ مطلقاً با حضرت رئیس کل دام اقباله  
و امنای عظام است که در مرکز میباشند •

§ (۷۳) هر کس از مستخدمین و اجزای دور و نزدیک  
باید سرخطی بامضای رئیس کل و امنا در دست داشته  
باشد که مدت و خدمت و اجرت ایشان در آن مشخص  
و در دفتر کل ثبت باشد و بعد از انقضای مدت اگر  
سرخدمت است تجدید نمایند •

§ (۷۴) هر يك از اجزا هر خدمت اسلامی که در  
سرخط ایشان نوشته شده است و قبول نموده اند  
حکوتاهی نمودند یا حیاتی از ایشان بظهور رسید  
یا خلاف دیاتی از ایشان مشاهده شود زود تر از  
انقضای مدت عزل است و حق اجرت ندارد و دیگر  
قبول نخواهد شد •

§ (۷۵) اجزای اسلامی همه روزه غیر از جمه  
و ایام محترمه دو ساعت از روز گذشته الی یکساعت  
بغروب باید سرخدمت خود حاضر باشند •

§ (۷۶) اجزای اسلامی کلاً مسئول ابوابجمعی  
خودشان هستند و اسکر صرفاً اسلامی را منظور  
ندارند عزامت از ایشان دریافت میشود •

§ (۷۷) اجزای اسلامی هر يك باید بقدر کنجایش  
ابوابجمعی خود سهمی در شرکت اسلامی داشته باشند  
که مزید اطمینان از ایقان باشد •

§ (۷۸) اجزای اسلامی سواى اجرت معین مکتفی  
متوسط حق هیچگونه تعارف و تکلف و هدیه بیبیج  
اسم و رسم ندارند و اگر از هر جا چیزی بایشان برسد  
باید تحویل اداره داده جزو مابدی و در دفتر منافع  
شرکت اسلامی ثبت شود و از احدی بیبیج عنوان

حق تعارف و غیره ندارند •

§ (۷۹) اجزای اسلامی حق هیچگونه توسط و  
ضمانت بجهت هیچکس در معاملات و غیره ندارند و  
هیچوقت ضمانت ایشان قبول نخواهد شد •

§ (۸۰) تمام اجزا و امنا از رئیس و رؤس و  
مستخدمین شرکت اسلامی حسب الشرط مجبورند لباس  
خود را از ملسوجات اسلامی و متاع داخله تحصیل  
نمایند و مصرف رسانند

§ (۸۱) هر يك از اجزاء مأمور سفری شوند  
سواى ملبوس خودشان سایر مخارج ایشان از قبیل  
کرایه و متفرقات و مواجب نوکر و چاپاری و تکراف  
تا مدتی که معین شده بعهده اداره مبارک است و اجرت  
ایشان کافی السابق برقرار است •

§ (۸۲) اجزاء اسلامی مطلقاً حق معامله و داد و  
وستی بیبیج اسم و رسم بجهت خالصه خودشان  
ندارند و هرگاه معلوم شد در خفیة باسم دیگری داد  
وستی کردند تقع آن با اسلامی و ضررش با خودش  
میباشد و اعتبارش در اداره هدر است و فوراً عزل  
خواهد شد •

§ (۸۳) اجزای اسلامی حق معامله و داد ستد  
حواجج خودشانرا از اشخاصیکه با اداره طرف هستند  
ندارند خصوص نسبت خریدن را •

§ (۸۴) تمام امورات اداره باید بتوسط اجزاء در  
تقس اداره مبارک اسلامی اجرا شود و لوکان باندن  
شها باشد •

§ (۸۵) اجزای اسلامی مطلقاً حق ایاب و ذهاب  
غیر رسمی بایکدیگر و با اشخاصیکه طرف معامله با  
اسلامی میباشند ندارند مگر باسم و اجازه و اطلاع  
اداره مبارک عنداللزوم •

§ (۸۶) مکاتبات و مراسلات و قرار دادها و محاسبات  
که دفتر دارها و ملشیان اداره مرکزی حفظهم اقمالی  
مینویسند کلاً باید با اجازه و دستور العمل و استحضار  
حضرت رئیس باشد و بعد بامضای مدیر کل رسانند  
غیر از این باقی از درجه اعتبار ساقط است غرض  
از امضای مدیر همان امضای میباید که بقلم مدیر  
نوشته میشود • (باقی دارد)

مکتوب از بندر انزلی

در پیروز مشروحه از وضع بندر انزلی و اهمیت عالی از غریب و بومی در فراهم آوردن جشن بزرگ ملی که بمنزله یکی از اعیان است یعنی ورود موبک فرخنده کوسکب هایونی را به انزلی بداره نوشته فرستادم و یقین است درج در جلد المین خواهید نمود ولو آنکه ماها از مطالعه آن محرومیم چه آن نامه مقدس از دخول بخاک ایران ممنوع است ولی برای اینکه دوستان مان در خارجه از زیارت آن نامه مقدس فیض یاب اند مبادرت بنوشتن شرح ورود موبک هایونی نمود

در همین آن و همین لحظه ولی نعمت بی ملت تاجدار ما ایرانیان به بندر انزلی نزول اجلال میفرمایند - واپور مخصوص هایونی برای سواری اعلیحضرت اقدس شهریاری ارواحنا فداء در بندر حاضر سایر واپورهای کوچک مال کپنی (هرسکوری) و (لیانازاف) و (ساروخان) و (علی اف) با بیرقهای الوان شیر و خورشید در مصیبت واپور هایونی برای رکوب اجزاء محترم سلطنت که (بازار) رفته اند فوج تزوین و دستة ساخلوی این سرحد با صاحب منصبان بطور نظام در سر اسکه منتظر ورود موبک هایونی اند تجار محترم مریک با کاسه نبات در آخر قیصریه که محل عبور موبک سلطانی است بردیف ایستاده موزیک دولتی نیز در ترم است - بندر انزلی از مرحدیت غرق پیرق الوان شیر و خورشید کشته بلا اضراق دوازده هزار پیرق شادی بر فراز دکل هالصب است بعضی دکلها را از بس بلند نموده اند دوپست ذراع ارتفاع پیدا کرده - در کاروانسرای فیلسوف الدوله گذشته از پیرقهای اطرافش دکل بزرگی در وسط حیاط نصب نموده اند که دارای یکصد و بیست پیرق الوان است - و پیرقهای شیر و خورشید فوقانی همه سه قطعه میباشند - آقا اسدالله بیک هابدین اوف وکیل جهازات کپنی (ناهژد) در سرپل مخصوص خود نیز آذین بسته میزها را بردیف چیده از واردین پذیرائی میکند

هنکام ظهر است واپور مخصوص هایونی سکه اعلیحضرت اقدس شهریاری ارواحنا فداء و رجال محترم از قبیل حضرت اشرف ابابک اعظم و جناب

حکیم الملك و سایر محترمین رکاب در مصیبت اعلیحضرت بر هرشته سعادت تماشای بندر انزلی و درفش های الوان و آذین بندی را می نمودند هنگام ورود باسکه واپورهای کوچک بندر انزلی بنای شادمانی را گذاشته سلام میدادند

درین هنگام موزیک نظامی شای ترنات فرحت بخشانه نهاده - اعلیحضرت تاجدار ما ایرانیان از صفوف نظام گذشته سلامی نظامی بطور رسمی بعمل آمده بعمارت دولتی نزول اجلال فرمودند دو روز در انزلی توقف فرموده سپس از راه آستارا بطرف فرانکستان حرکت فرمودند (ابوهر) وقایع نکار •

قابل توجه ارباب حل و عقد دولت علیه ایران

ختم سخن در خلیج فارس

در نمرهای سیزدهم و چهاردهم جلد المین فصلی مطول در اهمیت موقع خلیج نکاشته شده نظر توجه اولیای دولت ابد مدت را بد آنسوی معطوف داشته بودم - و این مبنی بر اسبابی چند بود که امروز در مقام اتمام حجت و اکمال وصیت میخوام شمه از آن بیان کنم اگرچه از آن تاریخ تاکنون مدتی در میانه گذشت و حادثات گوناگون در هرصه سیاست دول بوقع پیوسته که از چند جهت تعلق بطالع مستقبل ایران داشت و یکی از آن حوادث مهم داده شدن امتیاز راه آهن بغداد بود ولیکن چون میبایست خط پولتیک دولت ایران در آن صفحات معلوم کرده بده نتیجه از آن پدید آید گذشتن این قاصه زمان نا کریزی نمود - اهمیت موقع خلیج را به اعتبار منافع تجارتی و پولتیک در مقالات سابقه بیان نمودم و برخی از سوابق وقوعی که در سر اینشاه روی داده بودند بمناسبتی برشمردم باز عرض می کنم دولت ایران که حق تصرف مستقل خود را بر دریای خزر باقتضای معاهدات ماضی بدولت روس واگذار نموده و بدین سهو و خیم که متولد از فطرت رجال آن عصر است خود را از منقتهای بسیار بزرگ محروم داشته نباید در محله خلیج باز بچنین معامله دوچار آید - و حق قبضه از ملک یمین خود را که هر ذره خاکش مجزوع با جزوی از اجزای وجود اجداد کرامی است از دست رها کند - نباید کول دولت همسایه را که درین ساعت مانند یک کاپوس

مخوش و وحشت بر سینه آسیا خوابیده نخورد. باید امتیازات قونسولهای دول خارجه را که مقیم خاک ایرانند تجدید کند. و باید وزیر امور خارجه همواره ریدار و متبفظ باشد از خدعه‌های سیاست آنها و بوقت آگاهی باید و رهبانان کاتولیک را پس ازین اذن کشادن مکتب و کتابخانه وغیره ندهد. باید دولت ابد مدت بداند که مقصود همسایه شمالی این است که امروز و فردا بهروسیه که تواند بندری را از بنادر خلیج فارس از دست تصرف او بدر آورد و در آنجا بیدق حکمرانی برافرازد. زیرا که دولت روس امروز باوجود همه وسعت تجارت و شوکت سیاسیش در همراهی آسیا محبوس و بی‌بجالت است و درین ایام در جستجوی مخرجی است که بتواند محصولات داخلی خود را از آن راه بیرون فرستد و بسمت دریای هندوستان طریقی بدو باز کند

رجال دولت انگلیس مدتهاست که باین مقصد دولت روس پی برده‌اند (لورد کرزن) که امروز والی هندوستانست مینویسد - ما انگلیسیان نمیکوئیم هیچ دولتی غیر از ما نباید بر خلیج کشتی براند ما میخواهیم خلیج بکشتی‌های همه ملل عالم بازو تجارت خلیج آزاد باشد ما میخواهیم آن خوزریزها و آن شورش‌هاییکه تا اکنون بر سر مشله خلیج و جزایر خلیج بوقوع پیوسته پس ازین حادث نشود. اگر خدای نخواسته از طرفی تجاوزی بر یکی از نقاط خلیج بوقوع رسد این حادثه آسیای صغیره بچندین زحمتها و فداکارها در صفحات جنوب ایران استقرار یافته بهم خواهد زد و تجارتی را که مقدار سالیانه‌اش میلیونها لیره استرلین تخمین گردیده محو خواهد ساخت اگر دولتهای روس و انگلیس واغبرازی یا اختلافی در میان هم‌دیگر دارند بکنارید که دعوای‌شان را در جای دیگر حل و فصل کنند و آب‌های صاف خلیج را دوباره خون آلود نمایند - از پس این بیساتات (لارد کرزن) کلام خود را چنین نتیجه میدهد (من تکلیف ترک یکی از بنادر خلیج را بدولت روس یا از هر دولتی که این تکلیف سرزند حقارتی بزرگ نسبت بدولت انگلیس خواهم شمرد و نشان اعلان جنگ خواهم دانست)

این چند سطر مختصر خط حرکت دولت انگلیس را در نواحی خلیج بوجه اکل بیان میکند. ولیکن اگر بخواهید مسلك روس را تحقیق نماید علانیه می‌بینید که این دولت امروز از چار طرف ایران را در آغوش دوستی گرفته میخواهد با دلتوازیهای پدران او فریخته مقصود نهان خود را از پیش ببرد و آنچه مکنون ضمیر خویش است طاقبت بروز دهد

واضح تر باید گفت یکی نیز از مقاصد دولت روس این است که قطعه خراسان را بدست تصرف خود در آورد زیرا که از میان خراسان راهی مستقیم است بسوی هرات که بدان واسطه میتوان بهره هرات را همیشه در تحت تهدید عسکری داشت یکی دیگر از اسبابیکه چشم حریص دولت همسایه را بسمت خراسان معطوف میدارد این است که اقلیلای هندوستان ممکن نخواهد بود مگر از طریق خراسان. کسانیکه از فن سوق الحیش بهره وافی دارند بانك ملاحظه اعتراف خواهند نمود که قطعه خراسان امروز کلید فتح هندوستانست هر دولت که خواهد تجاوز بخاک هند کند باید یکی از سه طریق موجود را اختیار نماید یکی از آنها راه دریای هند است و دیگری راه (الجزیره) یعنی خطه بغداد و بصره و حومی راه خراسان

اکنون اگر قدری بیندیشید می‌بیند که در مقابل شوکت بحری دولت انگلیس حق تقرب بسواحل هند از راه دریا نوعی از محاللات و در شق ثانی سوق لشکر از میان خاک عثمانی جالب بسی خطرات است پس گذرگاه لشکر روس بسوی هند و مراکز حرکت استیلاش جز از ملک خراسان جای دیگر نتواند بود علاوه بر اینها رودهای کوچکی که زراعت روس در جوار (اتک - واخل) در سایه آب آنهاست همه از خاک خراسان میخیزند و دولت روس میخواهد برای پیشرفت زراعت ولایات مرکزی آسیا منابع آن آب‌ها را در دست خود داشته باشد

یکی از اسباب عمده که چشم ترسنه دولت همسایه را بسوی خراسان گردانیده این است راه آهن ماورای قفقاز تقریباً بامتداد سیصد میل مسافت در سمت حدود خراسان که سراسر پوشیده با کوه و تلال است در تحت تهدید منمادی میباشد. امرای عسکری روس